

# گیلانفردا

نشریه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا

شماره نهم

پاییز-۱۴۰۰

قیمت برای شما ۵ هزار تومان، قیمت واقعی چندین برابر

با خرید نشریه «گیلان فردا» حامی بیماران خاص باشید

Guilanfarda.ir

## پیدا فرصتی برای دور هم بودن و یادآوری دوستی‌ها

در این شماره می‌خوانید:

گفت و گوی اختصاصی گیلان فردا با استاد جکتاجی، محقق و روزنامه نگار پیشکسوت گیلانی؛

هیچوقت دنبال به به چه چه نبودم

فیش حقوقی ما را منتشر کنید

تکثیر جمعیت

معرفی چند فیلم مهیج ۲۰۲۱

معرفی چند گجت کاربردی



## به خود امید می دهیم



**گیلان فردا-** اگر به شغل تان علاقمند باشید سعی می کنید کارتان را بهتر ارایه دهید و از انجام کار لذت ببرید. البته اگر کاری وجود داشته باشد!

این روزها اما افراد زیادی از شرایط کار راضی نیستند و حتی برای تداوم دل بستگی به حرفه خود، انگیزه ای ندارند. این معلول همگانی، علت های بیشماری دارد که عموم مردم با آن درگیر شده اند.

گرانی لجام گسیخته، نبود امنیت شغلی و یا استثمار در محیط کار باعث شده بسیاری از افراد دچار اختلال در شغل و زندگی روزمره شوند. در چنین بستری نمی توان برای آینده برنامه ریزی کرد. البته این مشکلات مربوط به کسانی است که ظاهراً شغلی دارند چون خیل عظیمی از افراد بخصوص جوان ها هنوز بیکارند و بجز وعده چیزی نصیب شان نشده است!

نور چشمی ها دغدغه ای ندارند، اما با نگاهی واقع بینانه وضعیت اقتصادی برای عموم مردم که اکثریت جامعه را در بر گرفته و طبقه متوسط نامیده می شوند روز به روز سخت تر می شود.

در حوزه رسانه هم کار آنقدر سخت شده که فعالین واقعی یا عطای کار را به لقای آن بخشیده اند و با سطح کمی و کیفی کار به قدری پایین آمده که نه خودشان راضی هستند نه مخاطب.

از یک سو خودسانسوری ها فضای کار رسانه را تقریباً خنثی کرده و از سوی دیگر، گرانی سرسام آور کاغذ و هزینه های انتشار، مجال ارایه کار خوب و وزین مطبوعاتی را از فعالین این حوزه گرفته است و حفره های ایجاد شده در این عرصه عمیق تر از آن است که بتوان با مسکن های کم مایه آن را زنده نگاه داشت.

به عنوان نمونه نشریه گیلان فردا که مطالعه می فرمایید از یک مجله ۸۰ صفحه ای با کاغذ گلاس و نیمه رنگی تبدیل شده است به چیزی که الان می بینید، ۱۲ صفحه با کاغذ روزنامه ای!

وقتی کار را با مجموعه گیلان فردا شروع کردیم تمام تلاشمان این بود که در حد بضاعتمان یک کار خوب در حوزه مطبوعات ارایه دهیم.

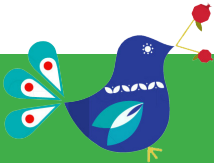
به شکر خدا با همکاری عزیزان توانستیم با کار تولیدی ضریب کیفی ۷۵ و ۸۰ را هم از وزارتخانه دریافت نماییم.

اما ادامه کار آسان نبود. خیلی تلاش کردیم محتوا و شکل فیزیکی مجله را با همان کیفیت کاغذ حفظ کنیم ولی شوربختانه در شرایط کنونی قادر به این کار نیستیم و فعلاً نشریه گیلان فردا را با کاغذ تحریر تقدیم شما خوبان می کنیم و به خود امید می دهیم که انشالله همه چیز بهتر خواهد شد...



## آداب و رسوم گیلانی ها در شب یلدا

# شب یلدا؛ میلاد خورشید



گیلانیان نیز این شب را دور هم جشن می گیرند. مردم این خطه اعتقاد دارند اگر شب **یلدا** هندوانه بخورند در تابستان کمتر تشنه خواهند شد. از گیل (کونوس) نیز یکی از میوه های محلی است که در مراسم **یلدا**ی گیلانیان دیده می شود.

یکی از آداب و رسوم این شب که در شهرهای دیگر ایران نیز انجام می شود بردن «شب چله ای» برای تازه عروس است که در آن سال نامزد یا عقد کرده، معمولاً خانواده داماد مجموعه ای از انواع شیرینی، آجیل، میوه و تنقلات ویژه شب چله که تزئین شده همراه با گل و هدایای دیگر به خانه عروس می برند و عروس و داماد تازه نیز به میمنت به هم هدیه می دهند.

اما در سال های اخیر این مناسبت در خانواده های مرفه گاه همراه با تجملات و صرف هزینه زیاد برگزار می شود و از سوی دیگر با افزایش سرسام آور قیمت ها و تورم بالا، بسیاری از اقشار آسیب پذیر جامعه ممکن است اصلاً قادر به خرید ساده ترین میوه و تنقلات شب یلدانباشند!

شب **یلدا** را میلاد خورشید دانسته است. جشن **یلدا** امروزه توسط ایرانیان با شب نشینی اقوام و خانواده در کنار یکدیگر برگزار می شود. خوردن هندوانه، آجیل، انار، شیرینی و میوه های مختلف از جنبه های نمادین این شب خاطره انگیز است. شاهنامه خوانی و فال حافظ یکی از



**گیلان فردا، سارا فرزانه- «یلدا**

بهانه ای برای کنار هم بودن و یادآوری دوستی ها»

تاریخچه **یلدا** به زمان های بسیار گذشته برمی گردد. بسیاری از باستان شناسان هفت هزار سال پیش را برای تاریخ شب **یلدا** مطرح کرده اند. ظروف سفالی دوران قبل از تاریخ و نقوش ماه های ایرانی همچون عقرب و قوچ داخل این ظروف دلیل این ادعا است. **یلدا** بلندترین شب سال، به زمان بین غروب آفتاب از تاریخ ۳۰ آذر یعنی آخرین روز پاییز تا طلوع آفتاب ۱ دی ماه یعنی نخستین روز زمستان مربوط می شود که مصادف با انقلاب زمستانی در نیمکره شمالی است به همین علت از آن تاریخ به بعد طول شب کوتاه تر و طول روز بیشتر می شود. «**یلدا**» برگرفته از یک واژه سریانی و به معنی تولد و زایش است. ابوریحان بیرونی، دانشمند و تقویم شناس بزرگ

## برای «شاد زندگی کردن» وقت بگذاریم

داشتن زندگی شاد دستاوردهایی فراتر از خوشی و لبخند زدن دارد و می تواند روی جنبه های مختلف زندگی فرد تأثیر بگذارد. شاد بودن و شاد زندگی کردن با تقویت سیستم ایمنی، باعث می شود سلامتی ما افزایش یابد، موفقیت مان در زندگی مشترک افزایش پیدا کند. دوستان بیشتری داشته و حمایت اجتماعی بیشتری دریافت کنیم. بهره وری و خلاقیت مان بیشتر شود. کیفیت کار کردن و به تبع آن، درآمدمان افزایش پیدا کند. کنترل و قدرت اراده و توانایی مان در مدیریت احساسات افزایش پیدا کند.

اما این ویژگی ها، صرفاً دستاوردهای فردی نیستند و اطرافیان شما هم از آن ها سود می برند. به خودتان یادآوری کنید که زندگی شاد من به شادمانی و رضایت اطرافیانم هم کمک می کند و به همین علت، لازم است برای «شاد زندگی کردن» وقت بیشتری بگذارم. همانطور که روانشناسان مثبت گرا هدف خود را روی بهبود کیفیت زندگی انسان های سالم متمرکز کرده اند.

داشتن زندگی شاد، آن قدر مهم است که یکی از مباحث کلیدی توسعه فردی را به خود اختصاص دهد؟

بله، چون در فرهنگ هایی مثل فرهنگ ما که تشویق به شادی و خوشحالی کمتر است و افراد خوشحال را با صفت هایی مانند «بی خیال»، «الکی خوش» و «خجسته» توصیف می کنند، پاسخ این سوال مهم است. صاحب نظران با اشاره به تحقیقات متعدد انجام شده در این زمینه، اشاره می گویند تلاش برای

آلوده ی تهران با دیدن تصاویر هوای آلوده ی پکن!

استفاده از ابزار مقایسه با دیگران به عنوان موتور ایجاد شادی، یکی از ابزارهایی است که در بعضی از فرهنگ ها، ترویج می شود. برخی برای برانگیختن حس شادمانی در ما، مرگ را به یادمان می آورند. این روش ها را نمی شود نگوئیم کرد؛ اما برای شاد بودن در زندگی، می توان روش های بهتر و سازنده تری هم انتخاب کرد.

آیا خوشحالی و تلاش برای

از والدین خود شنیده اید: «باز هم ناراحت و غمگین بودن برای بسیاری از ما، پذیرفته تر و قابل درک تر از شادمان بودن است.

اگر کسی را در تاکسی یا اتوبوس ببینیم که ساکت و غمگین ایستاده، او را درک می کنیم؛ اما اگر فردی دائماً لبخند روی لبش باشد برایمان عجیب است.

البته زندگی شاد، راحت نیست، چون بسیاری از ما ناخودآگاه پذیرفته ایم که کمتر کسی می تواند زندگی شاد را تجربه کند

حتی اگر تلاش کرده و شادی را تجربه کنیم، جامعه با یادآوری این که «بعد از هر خنده، گریه است»، مجوز شادمانی عمیق را از ما می گیرد.

به اعتقاد صاحب نظران شاد زندگی کردن با چالش های دیگری هم روبروست. بسیاری از ما از دوران کودکی تا بزرگسالی، می آموزیم از روش های غیرسازنده برای خوشحال شدن استفاده کنیم! به عنوان مثال شاید شما هم یکی از کسانی باشید که در دوران کودکی، برای تحمل سختی ها





# سازگار ساختن جنبه‌های مادی و غیر مادی فرهنگ



بخش‌های غیرمادی باشیم. رشد فرهنگ عمومی خواهد شد. از سوی دیگر اقدامات دستوری در راستای محدودسازی جنبه‌هایی از رفتار، فناوری و توسعه‌های مادی فرهنگ سبب می‌شود نه تنها ناچار عمومی متناسب با آن وجود ندارد. اما وظیفه متولیان فرهنگ عمومی در یک جامعه مانند شورای فرهنگ عمومی، سازگار ساختن جنبه‌های مادی و غیر مادی فرهنگ و کمک به انطباق این جنبه‌ها در راستای بهره‌وری است. فرهنگ عمومی مردم باید به رسمیت شناخته شود. مثلاً اقدامات لازم جهت افزایش آگاهی و رشد اخلاق استفاده از فضای مجازی و فناوری جایگزین محدودسازی فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری افراد جامعه به صورت دستوری شود. جایگزینی این اقدام موجب توسعه فرهنگ عمومی است.

آن دارای ویژگی‌هایی است که در یک جامعه وجود دارد فرهنگ عمومی محسوب نمی‌شود، زیرا عموم مردم جامعه را در بر نمی‌گیرد، مانند فرهنگ اقوام و شهرستان‌های مختلف یا فرهنگ تخصصی در ارتباط با اطلاعات حرفه‌های دیگر. این جامعه‌شناسان با بیان اینکه فرهنگ عمومی، باورها، اعتقادات و الگوهایی است که در تمامی افراد و اقشار جامعه مشترک است، این فرهنگ را مایه اتحاد جامعه شمرده و به عنوان وجه مشترک فرهنگ مردم معرفی می‌کند و می‌گوید: فرهنگ عمومی را می‌توان به عنوان فرهنگ معیار کشورها و حتی شهرهای مختلف تلقی کرد همانطور که زبان فارسی به عنوان وی با بیان اینکه فرهنگ عمومی را نباید ایستا در نظر گرفت، می‌افزاید: فرهنگ عمومی به عنوان جنبه‌ای از فرهنگ به حساب می‌آید و به تبع

فرهنگ عمومی برای ارتقای بهره‌وری استفاده کرد؟ حامد بخشی، در گفت‌وگو با ایسنا در مورد فرهنگ عمومی و زمینه‌های توسعه آن، می‌گوید: معمولاً فرهنگ عمومی را در مقابل فرهنگ اختصاصی و فرهنگ محلی یا قرار می‌دهیم. فرهنگ محلی یا

فرهنگ عمومی را وجه مشترک فرهنگ مردم می‌دانند که زمینه اتحاد جامعه را فراهم می‌سازد. ۱۴ آبان در کشور ما روز فرهنگ عمومی نامگذاری شده است. اما در جامعه ما تا چه حد به فرهنگ عمومی توجه شده و چگونه باید از



## فرهنگ و سبک زندگی

سبک زندگی این طور معنا شده است: شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است؛ عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و ... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازند. موسیقی عامه، تلویزیون و آگهی‌ها همگی تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگی‌شان را آزادانه انتخاب کنند. در بیشتر مواقع مجموعه عناصر سبک زندگی در یک‌جا جمع می‌شوند و افراد در یک سبک زندگی مشترک می‌شوند. سبکی شدن زندگی با شکل‌گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیک دارد. مثلاً می‌توان شناخت لازم از افراد جامعه را از سبک زندگی افراد آن جامعه بدست آورد. خوشبختانه امروزه با بالارفتن اطلاعات، افراد بیشتری تمایل به بررسی سلامت سبک زندگی خود دارند. شما چطور؟



**گیلان فردا** - سبک زندگی به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است. واژه سبک زندگی (Life Style)، می‌تواند به علایق، نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند. معنای لغوی واژه «زندگی» روشن است، اما در تعریف واژه «سبک» در لغت نامه‌ها معانی گوناگونی آمده است. ● تعاریفی که بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی سبک تکیه دارند: کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار ● تعاریفی که بر جنبه تمایزبخشی سبک تأکید دارند و سبک را ویژگی‌ای برای نشان دادن برتری می‌دانند: انجام اموری که تمایز دهنده فرد یا گروه یا سطح خاصی باشد. ● تعاریفی که تجسم امروزی سبک به خصوص ابعاد تجملی زندگی محسوب می‌شوند: برتری مدگونة، شیک، هوس و میل مفرط، عادت و تجمل، زیاده‌روی یا ولخرجی

هنگام انتقاد هدف خود را گم نکرده و انتقاد را به سخنرانی یا بحث بیهوده تبدیل نکنید، چون شنونده بی‌حوصله می‌شود و توجهی به آن نمی‌کند. از کلماتی مثل «همیشه» و «هرگز» برای رفتارهای منفی دیگران استفاده نکنید، کلماتی مانند «بعضی اوقات» و «معمولاً» خیلی موثرترند. گاهی انتقاد را با شوخی بیان می‌کنند، اما این کار باعث بی‌تأثیری انتقاد می‌شود. از ژست‌های خشم‌آلود، مانند گره کردن دست، اخم کردن و نظایر آن بپرهیزید. ویران نکنید، بسازید. مثلاً بگویید «من مطمئنم که تو خیلی بهتر از اینها می‌توانی انجام وظیفه کنی چون... من مطمئنم که می‌توانم توی این قضیه روی تو حساب کنم چون...» گفتن چنین جملاتی باعث می‌شود اعتماد به نفس طرف مقابل‌تان افزایش پیدا کرده و حس کند که شما دل‌تان می‌خواهد او را وضعیت‌ی که دارد به وضعیت بهتری برسد اما اگر لحن و کلماتی که برای انتقاد کردن انتخاب می‌کنید، نامناسب باشد طرف مقابل‌تان حس می‌کند شما می‌خواهید او را زمین‌زیند و به این ترتیب، تأثیر حرف‌ها و انتقادات‌تان به حداقل می‌رسد.

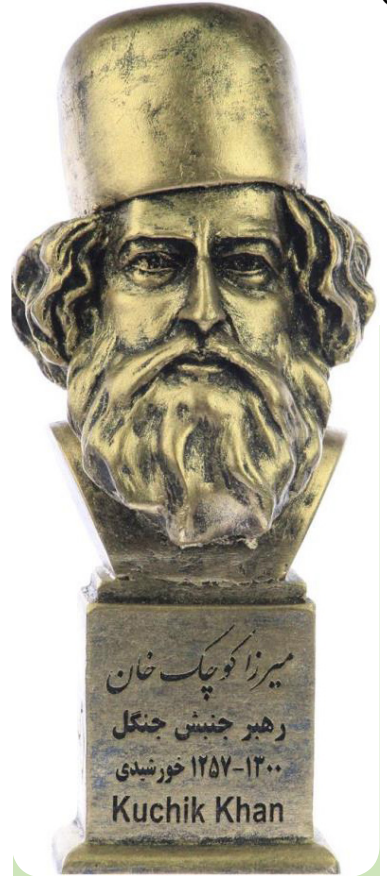
**● آداب صحیح امر به معروف**  
اول مطمئن شوید آنچه می‌خواهید مورد انتقاد قرار دهید، واقعاً غلط بوده و شما درست ارزیابی کرده و برداشت شخصی نیست. انتقاد از یک نفر در میان جمع، معمولاً به ایجاد حس شرمندگی در فرد منجر می‌شود. در خلوت و در زمان مناسب انتقاد کنید. هر آدمی دوست دارد نقاط مثبتش دیده شود و مورد تحسین قرار بگیرد. پس بهتر است پیش از انتقاد و تذکر دادن نقاط ضعف، از یک یا چند نقطه قوت در فرد انتقاد شونده یاد کنید و پس از اشاره به این ویژگی‌های مثبت، بگویید که در او یک نقطه ضعف هم می‌بینید که اگر بهبود پیدا کند نقاط مثبتش را پررنگ‌تر خواهد کرد. گاه سخن گفتن از اشتباهات خود، زمینه پذیرش را در طرف مقابل ایجاد می‌کند. برای اصلاح سخن یا رفتار مورد نقد به صورت دستوری تحکم نکنید، سخن یا رفتار درست را پیشنهاد دهید. هیچگاه صفت بد یا زشت یا غلط را به شخصیت خود فرد نسبت ندهید، در واقع کار بد و ناشایست را سرزنش کنید نه شخصیت خود فرد را و هنگام انتقاد کردن از مقایسه کردن بپرهیزید.

**گیلان فردا** - یکی از عوامل موثر در روابط اجتماعی انسان‌ها شیوه سوال کردن و اظهار ناراضی‌تی از گفتار یا رفتار یکدیگر است. اما انتقاد یا امر به معروف کار آسانی نبوده و نیاز به مهارت دارد، تا بتوانیم فرد را بدون آنکه ناراحت شود متوجه اشتباهش کنیم. براساسی چند درصد از ما به هنگام انتقاد کردن به نکاتی که از اخلاقیات دینی ما سرچشمه گرفته‌اند توجه داریم؟ متأسفانه گاه بسیاری از ما با نگاهی آمرانه و با ذهنیت اشتباه گمان می‌کنیم که فقط ما خوبیم و بقیه...  
**● تعریف انتقاد**  
کلمه انتقاد از ریشه نقد کردن و معنای متداول آن در بین عامه مردم اشکال گرفتن به گفتار و رفتار دیگران است. مردم معمولاً انتقاد را به شکل منفی تفسیر می‌کنند، اما در معنای اصلی، انتقاد یعنی آشکار کردن و بازگو کردن زوایای مهم در یک سخن، نوشتار یا رفتار. مهمترین نکته در نقد و انتقاد، اصلاح کردن است و انتقاد زمانی ارزش دارد که به وسیله آن بتوانیم گفتار و رفتار کسی را اصلاح کنیم.

## آیا فقط ما خوبیم؟! با پیشداوری انتقاد نکنید



# یکصد سال پس از خاموشی کوچک خان جنگلی و آرمان هایش



**گیلان فردا** - بزرگترین المان رشت در ابتدای خیابان سعدی، تندیس بزرگ کوچک جنگلی است. مردی با موهای مجعد و سوار بر اسبی که یک پایش روبه جلو و در هواست، می‌گویند در ساخت اینگونه تندیس‌ها، اگر یک پای اسب روبه جلو و در هوا باشد، مرد اسب سوار در اثر جراحات وارده در جنگ جانفش را از دست داده است.

میرزا کوچک جنگلی، از ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰، به مدت هفت سال در جنگل‌های گیلان مبارزه کرد و در نهایت در گردنه گدوک یک و تنها، آرمان‌هایش یخ زد. از کنار این تندیس بزرگ، به خیابان استادسرا می‌روم. خیابانی که مهمترین سیمبل‌های آن است که کوچک جنگلی را در خود پرورده است. خانه‌ای با آجرهای قرمز و سفال‌های کوزه‌ای و تابلوی سردر که تداعی گر مهر مخصوص میرزاست، وقتی نامه‌ها و مکاتبات جنبش جنگل را مهر می‌کرد.

به خانه «یونس استادسرای» می‌روم. مردی زاده ایل رشتوند قزوین که در نوجوانی به رشت آمد. آن روزها مدرسی به سبک نوین وجود نداشت و هرکس می‌خواست علم بیاموزد، می‌باید به حوزه‌های علمیه می‌رفت. یونس برای تحصیل به «مدرسه صالحیه» رشت می‌رود. اما چندسال بعد، میرزایی که در حوزه آموخته بود مسلمان در برابر ظلم سکوت نمی‌کند، ردا و عمامه به‌دراورد، جلیقه گالشی و پاتاو ماسوله‌ای پوشید تا به راحتی در جنگل زندگی کند. از وقتی با کمیته‌های مخفی مجاهدان مشروطه خواه آشنا شد، اسلحه برداشت. او که بعدها «کوچک جنگلی» لقب گرفت، همراه با مجاهدان گیلانی در تیرماه ۱۲۸۸ برای اعاده مجلس برآمده از مردم عازم فتح تهران می‌شود. در همین سفر است که بخاطر برداشتن گلوله توپ، از ناحیه کمر آسیب می‌بیند و این کمر درد تا آخر عمر همراهش بود و در فصل سرما عود می‌کرد. کسی چه می‌داند شاید آذر ماه صد سال پیش که با تنها یار آلمانی اش، گائوک، در برف و بوران در کوه‌های ماسال گام بر می‌داشت، درد کمر او را زمین‌گیر کرده باشد.

داخل خانه کوچک جنگلی می‌روم. خانه‌ای که عکس‌های ویرانه‌ای به نام خانه کوچک جنگلی، در یکی از اتاق‌ها نصب شده است. سال ۱۳۸۱، درست در لحظه‌ای که لودر به جان آخرین

در ۱۱ آذر ماه ۱۳۸۴ و دومی در ۱۳ مرداد ۱۳۸۵) ریز مبالغ‌آلودی و نام‌آلودی و نهادهای مشارکت‌کننده را منتشر می‌کند. در میان این اسناد مهم از بانویی که ۲۰ هزار تومان نذر بازسازی خانه میرزا نموده تا اساتید غیر ایرانی مقیم خارج از کشور به چشم می‌خورد.

به سراغ مدیر مسئول دو ماهنامه گیله و می‌روم تا درباره چگونگی بازسازی این خانه توسط بنیاد پژوهشی کوچک جنگلی، توضیح دهد. «محمد تقی پوراحمد جکتاجی» تجربه ۳۰ سال انتشار پیوسته نشریه‌ای را دارد که هم و غمش زبان و فرهنگ گیلکی است. در دفتر انتشارات گیلکان که گیله و او را هم منتشر می‌کند، اتاق کوچکی است در خیابان حاجی آباد، کوچه گنج‌ای و بر دیوار اتاق، تصویر بزرگی از کوچک جنگلی هم نصب شده است. پوراحمد با لبخندی به غایت متین، می‌گوید:

از میرزای ما هم عکس بگیر.

سپس به انبار رفته و دو نسخه از ویژه‌نامه‌هایی که ذکر کردم، برای می‌آورد و چگونگی بازسازی خانه میرزا را اینگونه توضیح می‌دهد: «خانه‌ای که هنوز موعد اجاره ۹۹ ساله‌اش به این بنیاد تمام نشده است. در آن سال‌ها «پروفیسور شاهپور رواسانی» رئیس هیات مدیره بود و چون بنیه مالی بهتری نسبت به بقیه داشت، شخصا مبالغ قابل توجهی برای بازسازی خانه کمک کرد. مرحوم «میرابوالقاسمی»، نایب رئیس بنیاد و «جمشید مهربان راد» خزانه دار بود و به تفکیک تمامی حساب‌ها و کمک‌های نقدی و غیر نقدی مردم و موسسات دولتی و غیر دولتی را ثبت می‌کردند. من عهده دار امور روابط عمومی و تبلیغات بودم. گیله و

مشترکانی در ایران و خارج از کشور دارد به همین دلیل هم برای جلب کمک‌های بیشتر و همچنین برای آنکه اسناد این کمک‌ها در تاریخ این شهر بماند، دو ویژه‌نامه در این راستا منتشر کردیم تا خوانندگان از روند بازسازی باخبر باشند.»

جکتاجی می‌افزاید: «بنده از درج نام و میزان کمک‌های مردمی در گیله و چند هدف داشتیم؛ اول اینکه اسنادی بود که باید در تاریخ می‌ماند، دوم ترویج این عمل خیرخواهانه و سوم اینکه نسل آینده وقتی نام پدر و پدربزرگ خود را در لیست خیرین ببیند، هم افتخار می‌کند و هم الگویی می‌شود برای نسل جوان در پیشبرد کارهای فرهنگی». جالب است بدانید، بخش قابل توجهی از کمک‌ها توسط اساتید ایرانی مقیم اروپا و آمریکا ارسال شد. حتی اساتید غیر ایرانی که علاقمند به تاریخ میرزا بودند، برای بازسازی این خانه مبالغ نقدی فرستادند نظیر: «دکتر اوزیوس کارلوس کاپلای اسپانیایی» استاد تاریخ دانشگاه آلمان، «دکتر میشل اشتاینر» از آلمان و یک دکتر هندی به نام «کافی» مقیم آلمان و «دکتر یانگو» از پاکستان. حتی «بنیاد فرهنگی ارمنه هور» آن زمان مبلغ ۳۰ هزار تومان برای مرمت خانه میرزا کمک کردند. برخی هم اقلام غیر نقدی فرستادند مانند، قفسه کتاب، سیستم حرارتی و دیگر تجهیزات و بیمه آسیا نیز خانه احیا شده را بیمه کرد.»

از آنجا به گورستان سلیمان‌آراب رشت می‌روم. گورستانی که آبگیر و باتلاقی در بیرون رشت بود و بعدها به واسطه دفن کوچک جنگلی و برخی از یاران نزدیکش و مفاخر گیلان، گورستانی پر از ناگفته‌های تاریخی شد. به همین دلیل اخیرا این گورستان در فهرست آثار ملی ثبت شده است. اما نمی‌توان از آستانه در عبور کرد و بر مزار «میرزا حسین خان کسمایی» نرفت. سنگ قبری که نشست کرده و یک سویش در گل فرورفته است. از بس پاخورده، نوشته‌های روی سنگ مزار خوانا نیست. سردبیر روزنامه جنگل، چقدر غریب زیر دیوار این گورستان خفته است. کدام سند معتبرتر از نوشته‌های میرزا حسین خان کسمایی و دیگر جنگلیان پس از صد سال می‌تواند مرام نامه‌های هیات اتحاد اسلام را بازخوانی نمایند!

مرام نامه‌ای که پایه‌های یک جنبش را استوار کرد، هدفش آموزش همگانی بود و برپایی عدالت و کوتاه کردن دست بیگانگان از چنگ اندازی‌ها بر ایران. کمی جلوتر و نزدیک به پله‌های بقعه سلیمان دارابی، بالای سر سنگ قبر «شیخ علی ورز» و به یاد او فاتحه‌ای می‌خوانم.

وسط گورستان، آرامگاه یونس استادسرای است و بنای یادبودی که بر مبنای معماری بومی ساخته شده است. دور تا دور مزار میرزا، یارانش نیز در خاک سرد خفته‌اند؛ حاج احمد کسمایی، تاجر ابریشم و توتونی که دو سال نخست هزینه‌های مادی جنبش را تأمین کرد و در نهایت در فقر و تبعید جان سپرد. نام دیگر یاران میرزا را هم بر سنگ قبرها می‌خوانم؛ صادق کوچک پور، کسی که ریاست شاخه نظامی جنبش را برعهده داشت، میرزا اسماعیل جنگلی، خواهر زاده میرزا، جهانگیر سرتیپ پور و ابراهیم فخرایی.

(منبع: خبرگزاری شبستان)



# پدافند غیرعامل؛ سابقه تاریخی، دغدغه جهانی



مقابل انفجارات اتمی به طور گسترده ای توجه کرد و برای اقامت مردم، همه امکانات از قبیل آب، غذا، دارو و سایر مایحتاج را به صورتی که قبل از فاسد شدن تعویض می شوند، پیش بینی کرد.

● پاکستان هم با ایجاد سازمانی، به موضوع آموزش عمومی مردم توجه کرد، جزوات آموزشی با متون ساده و روان در مورد نحوه مقابله با انفجارات هسته ای و دیگر تهدیدها در بین مردم و مراکز آموزش منتشر کرد.

● در کره شمالی پدافند غیرعامل به صورت گسترده مورد استفاده قرار می گیرد، معابر مترو و ایستگاه های زیرزمینی شهر پیونگ یانگ در عمق بین ۹۰ تا ۱۰۵ متری زمین احداث شده اند. بسیاری از کارخانجات صنایع نظامی در تونل های بزرگ استقرار یافته و هواپیماهای نظامی پس از فرود می توانند در تونل های حفر شده، مخفی شوند.

● در ایران نیز پدافند غیرعامل به عنوان یک سازمان دولتی که زیرمجموعه ستاد کل نیروهای مسلح محسوب می شود در سال ۱۳۸۲ تشکیل شد. تهدیدات پدافندی عامل شامل تهدیدات نظامی و تهدیدات سایبری، زیستی، پرتوی، شیمیایی و اقتصادی است که سیاستگذاری، هدایت و برنامه ریزی مقابله با تهدیدات یاد شده در پنج قرارگاه تشکیلات سازمان پدافند غیرعامل کشور در حال فعالیت هستند.

در آمریکا پس از گذشت بحران های برلین و کوبا در سال ۱۹۶۳، موضوع ساخت پناهگاه های خانگی و دسته جمعی مطرح شد و پس از سازمان های کوچک که در این خصوص فعالیت می کردند، در سال ۱۹۷۹ مدیریت امور به هنگام شرایط اضطراری از جمله پیامدهای ناشی از حملات هسته ای به شهرهای آمریکا تشکیل شد و نواحی دهگانه خود را در سراسر آمریکا تاسیس کرد.

● در کانادا هم به پدافند غیرعامل توجه خاصی شد و دولت مرکزی وظیفه تدوین اصول و سازماندهی تنظیم همکاری دولت و نیروهای مسلح، آموزش مسئولان و مردم، استفاده از همیاری در تدوین برنامه های آموزش محلی، گسترش برنامه های تحقیقاتی و نمونه سازی از طرح ها را به عهده داشت. از سال ۱۹۵۴ و پس از انتشار نتایج آزمایشهای مگاتنی هسته ای آمریکا، کشور کانادا عکس العمل به موقع خود را با ایجاد سازمان دفاع غیرعامل نشان داد.

● دولت سوئیس با وجود سیاست بی طرفی در دو جنگ جهانی و به رغم اینکه از نظر موقعیت های ژئوپلیتیک و دارا بودن معادن زیرزمینی دارای وضعیت حساسیت آفرینی نیست، پدافند غیرعامل را در این کشور به صورت جدی مورد پیگیری قرار داد. سازمان دفاع غیرعامل سوئیس به ساخت پناهگاه های مقاوم در



اعمال شده که ساخت انواعی از سلاح و مهمات را شامل می شد، دولت آلمان توسعه پدافند غیرعامل را در راستای سیاست تنش زدایی در دستور کار قرار داد و اعلام کرد روش های پدافند غیرعامل از آنجا که نقشی در تهدید و خسارت ندارند، با سیاست تنش زدایی هم راستا است و از سوی دیگر کشورهایی که در امر دفاع ضعیف باشند، همواره تمایل دیگر کشورها را برای تصاحب منابع خود برمی انگیزند، بنابراین بسیاری از ساختمان های این کشور به صورت دو منظوره احداث شد

**گیلان فردا** - چند سالی است برنامه های پدافند غیرعامل با هدف ایجاد تحرک و انگیزه در سازمان های اجرایی کشور، آگاه سازی و مشارکت مردم و مسئولین برگزار می شود، اما برآستی این دفاع بدون سلاح چرا و چگونه شکل گرفته است؟

## ● جنگ های جهانی و توجه ویژه به پدافند غیرعامل

در جنگ جهانی دوم که استفاده از هواپیما و بمباران شهرها و استفاده از موشک توسط آلمان نازی شروع شد، خسارات ناشی از جنگ و آسیب هایی که به مردم و بخش های غیرنظامی وارد شد، نسبت به جنگ جهانی اول سیر صعودی داشت و این موضوع باعث شد تا کشورها به پدافند غیرعامل اهمیتی مضاعف بدهند. ارتش نازی برای ساخت هواپیماهای بمب افکن و موشک های «وی. دو» که برای نخستین بار در هشتم سپتامبر سال ۱۹۴۴ در میان حیرت جهانی، لندن را هدف قرار داد از پناهگاه های مستحکم ایجاد شده در دل کوه ها به صورت گسترده ای استفاده کرد و ساختمان های نظامی و اداری را با مستحکم ترین مصالح و با طرح های معماری ویژه ای که اصول پدافند غیرعامل در آن به خوبی رعایت شده بود، بنا کرد.

## ● پدافند غیرعامل در کشورهای مختلف

پس از پایان جنگ جهانی دوم و محدودیت های

## تکثیر جمعیت

بعضی از توصیه گران بر می آید تنها چیزی که برایشان مهم نیست کیفیت است! اینکه برای افزایش و جوانی جمعیت باید به فکر باشیم بر هیچکس پوشیده نیست ولی اینکه با سیاست های عجولانه، نابخردانه و بدون هیچ اهرم تشویقی درست و شدنی و بدون مهیا کردن جامعه به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی برای این مقوله بسیار مهم نسخه بیچشم نه تنها موجب افزایش مشکلات می شود بلکه پیامدهای غیرقابل جبران در بر خواهد داشت. لطفالختی اندیشه کنید...

**گیلان فردا** - چند ماه پیش برای تهیه خبر در جلسه ای حضور داشتیم. یادم می آید در آن جلسه یکی از مسئولین از واژه «تکثیر جمعیت» به جای افزایش جمعیت استفاده کرد. خیلی برابم عجیب بود مگر جمعیت را تکثیر می کنند! اما در ماه های اخیر که بعضی از مسئولان بدون هیچ برنامه و زمینه مساعد اجتماعی و اقتصادی، بر افزایش جمعیت تاکید دارند، یاد حرف ایشان افتادم. به گمانم مسئولان ما واقعا قصد دارند مثل تکثیر یک برگه کاغذی، جمعیت را هم تکثیر کنند! چون انطور که از فزونی کلام

## \* روز علوم اجتماعی به پاس خدمات دکتر صدیقی، پدر جامعه شناسی ایران \*

رسانید و در شهریور ماه ۱۳۰۸ در جمع محصلین دوره دوم، که وزارت معارف برای اكمال تحصیل به اروپا فرستاد، به فرانسه رفت.

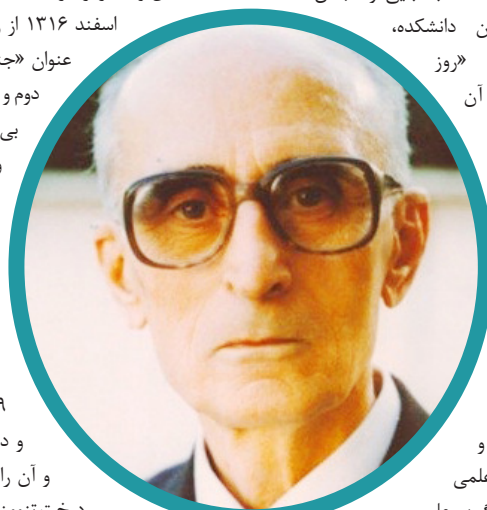
دوره های دانشسرای مقدماتی، دانشسرای عالی، لیسانس و دکترا را در دانشگاه پاریس به پایان برد و در اسفند ۱۳۱۶ از رساله دکتری خویش با عنوان «جنبش های دینی در قرون دوم و سوم هجری» دفاع کرد و بی درنگ به ایران بازگشت. وی در اوایل سال ۱۳۱۷ جامعه شناسی را در ایران بنیان نهاد و واژه جامعه شناسی را برای این رشته برگزید. تدریس جامعه شناسی را با یک درس در سال ۱۳۱۹ در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی آغاز کرد و آن را در اوایل دهه ۱۳۵۰ به درخت تنومند دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، با گروه های آموزشی و بخش های پژوهشی متعدده، گسترش داد.

وی روز دوشنبه نهم اردیبهشت ۱۳۷۰ در تهران در گذشت. عشق ایران آنچنان در جان او ریشه داشت که در آخرین لحظات و در زیر چادر اکسیژن فریاد برآورد: پاینده باد ایران! ... و سپس جان به جان آفرین داد. (روحشان شاد و یادشان گرامی...)

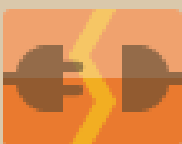
**گیلان فردا** - دوازدهم آذرماه سال جاری، از سوی انجمن جامعه شناسی ایران، انجمن انسان شناسی، انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات و انجمن جمعیت شناسی ایران با همکاری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و انجمن های دانشجویی آن دانشکده،

نخستین مراسم «روز علوم اجتماعی» در آن دانشکده برگزار شد. ۱۲ آذرماه مصادف با سالروز تولد استاد غلامحسین صدیقی است که پیشگام در معرفی و توسعه جامعه شناسی به عنوان یک رشته دانشگاهی بوده اند و طرح لزوم همکاری علمی بین رشته های گوناگون علوم اجتماعی از ابتکارات شخص ایشان است.

دکتر غلامحسین صدیقی، بنیانگذار و پدر رشته جامعه شناسی در ایران است. وی در آذرماه ۱۲۸۴ در محله سرچشمه تهران به دنیا آمد. پدر او حسین صدیقی ملقب به اعتضاد دفتر از اهالی ناحیه نور مازندران بود. وی تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس جدید آن زمان، اقدسیه، آلیانس فرانسه و دارالفنون، به پایان



## به تلفن ناشناس جواب ندهید



سه گروه قرار می گیرند: ● یا طرف را نمی شناسید و درخواست غیرمعمولی از شما دارد! ● یا طرف را می شناسید ولی با شماره ناشناس زنگ زده، که باز هم لابد درخواست غیرمنطقی دارد! ● یا با شما کار مهمی دارد و درخواست غیرمعمول نیست که خودش پیامک خواهد داد. پس نیازی نیست به تلفن ناشناس جواب دهید...

**گیلان فردا** - می گوید واقعا به کسی که اول صبح برای کار غیر ضروری زنگ می زند چه باید گفت؟! می گویم خب جواب ندهید. می گوید: «بعضی آدم ها خیلی بی ملاحظه هستند، بنابراین بهتر است این افراد را در لیست سیاه قرار داده و به هیچ تلفن ناشناسی جواب ندهید». به نظر وی بجز افراد متخلف که زنگ می زند و قطع می کنند و می خواهند حسابتان را خالی کنند، تماس های ناشناس در

گفت و گویی صمیمی با استاد جکتاجی، روزنامه نگار پیشکسوت گیلانی به مناسبت سی امین سال انتشار گیله وا

# هیچوقت دنبال به به چهچ نبوده‌ام



**گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی** - خیلی از فرهنگ دوستان ایشان را می‌شناسند. کسی که سال‌ها در زمینه فرهنگ، ادب و زبان گیلکی کار و تلاش کرد تاریخ‌های هویتی سرزمینش را با تحقیق و پژوهش به نسل جوان بشناساند. پشتکار و ممارست وی در این حوزه باعث شد زمینه‌های گیلانشناسی شکل بگیرد و جایگاه رفیع زبان و فرهنگ گیلان به بسیاری از علاقمندان معرفی شود. شاید اگر وی در استان دیگری بود خیلی بیشتر قدرشان را می‌دانستند! اوایل کار خبرنگاری ام اسم ایشان را به عنوان یکی از بزرگان حوزه روزنامه نگاری استان شنیده بودم. چه ایشان بواسطه سال‌ها تلاش در عرصه فرهنگ گیلان و انتشار نشریه فرهنگی گیله و خوش درخشیده بودند و این نشریه توانسته بود به عنوان مرجع مورد استناد بسیاری از پژوهشگران قرار بگیرد. گهگاه که به رسم ادب و احوالپرسی دقایقی به دفتر کارشان می‌رفتم، نکته‌ای نظرم را جلب می‌کرد و آن این بود که همیشه گیلکی صحبت می‌کردند. سی امین سال انتشار نشریه گیله و بهانه‌ای شد تا گپ و گفتی صمیمی با این استاد فرهیخته و پیشکسوت گیلانی داشته باشم.

در برهه‌ای گیله‌ای جوان و گیله‌ای ادیب‌ها هم داشتیم، بعضی از افرادی که آمدند الان در کار خود خبره هستند. بنابراین از این زاویه کوتاهی نشده. اگر کوتاهی شد از موقعی بود که خواستند وارد این میدان بشوند اما حسادت هم انجام دهند. برای من چنین چیزی نه نیاز بود و نه من فکرش را می‌کردم، هیچوقت صنفی فکر نکردم و دنبال به به و چهچه نبودم، الان هم خود را یک روزنامه نگار آماتور می‌دانم. روزنامه نگاری هستم که برای مسایل اقتصادی کار نکردم. هنوز هم چهار صفحه رنگی دارم که سه صفحه اش آگهی است، آن هم آگهی دوستانه. هیچوقت تشکیلاتی فراهم نکردم که از کنار آن به نان و آبی برسم».

● می‌گویم به‌رحال انتشار نشریه، یک کسب و کار فرهنگی محسوب می‌شود. هر کسب و کاری هم طبیعتاً زمینه اقتصادی و درآمد زایی باید داشته باشد. حداقل اگر به سود آنچنانی نمی‌رسد قادر باشد دخل و خرج خودش را تامین کند. بنابراین افراد دست‌اندرکار ناگزیر هستند به بخش مالی قضیه هم فکر کنند، منتهی شدت و ضعف و چگونگی تامین آن محل توجه است.

این روزنامه‌نگاری می‌گوید: «بله، من کسی را مطلقاً

این مدت دوستان زیادی با گیله‌ها همکاری کردند که بدون حضور آنها ادامه کار میسر نبود چه از نظر معنوی و چه از نظر حمایتی که برای من همیشه قابل احترام و ارزش بوده است. چون لطف کار این است که آدم همیشه همراه داشته باشد. اما عده‌ای هم این کار را شروع کردند، ولی زود آن را کنار گذاشتند. من هر وقت کسی می‌آمد واقعا خوشحال می‌شدم. جدا از مسایل صنفی و این جور چیزها دوست داشتم همکاران بیشتری چنین دغدغه‌ای داشته باشند».

وی ادامه می‌دهد: «روزی که شروع کردم انتظار داشتم عده‌ای بیایند کنارم و همکار باشم البته همکاری فراتر از قلم زدن یعنی همکار اندیشه و فکر. یا اینکه وقتی وارد میدان شدیم نوعی رقابت باشد نه حسادت، ولی متأسفانه گاه عزیزی آمدند و مدتی کار کردند بعد به دلایلی که به خودشان مربوط است نتوانستند ادامه دهند و کار را تعطیل کردند. بنابراین کاری را که شروع کردم و ادامه دادم به نوعی تک کار بوده و شاید اگر دیده شده به همین خاطر بود که فقط یک نفر این کار را انجام داد. البته این برای جمعیت گیلانی چیز مبارکی نیست، باید گیله‌ها را دیگری رشد می‌کردند و رشد بکنند. شاید برخی‌ها این را ضعف من قلمداد کنند ولی فکر نمی‌کنم کوتاهی کرده باشم. هر کس که آمد به او میدان دادم.

مرداد ماه مصادف با آغاز سال نو گیلانی (نوروز بل) نشریه را چاپ کنم. منتهی اگر شش ماه از مجوز می‌گذشت و چاپ نمی‌کردیم مجوز را باطل می‌کردند، ناگزیر در تیر ماه ۷۱ اولین شماره را منتشر کردم. آخرین شماره هم تا این لحظه یعنی شماره ۱۶۷ در پاییز امسال منتشر شد که مصادف با سی امین سال انتشار گیله و است».

● به گفته‌ی وی گیله و اوایل ماهنامه بود بعد دو شماره در یک نسخه چاپ شد، سپس هر دو ماه یکبار و در سال‌های اخیر هر سه ماه یکبار چاپ شد. البته کنار گیله و سی و یژه نامه هم چاپ شد که بیشتر آن‌ها با توجه به اینکه ویژه نامه‌های موضوعی بودند به عنوان مرجع به شمار می‌روند. در واقع تا الان دویست شماره منتشر شد. وی که عاشق زبان و فرهنگ گیلان است بی‌توجهی به زبان گیلکی را بر نمی‌تابد می‌گوید: خیلی‌ها تصور باطلی در مورد زبان گیلکی داشتند و یا هنوز هم دارند! اما عده‌ای هم با عشق همکاری خودشان را با گیله و شروع کردند و هنوز هم هوشمندانه همراه ما هستند و می‌دانند چرا یک نفر سی سال دارد اینطور کار می‌کند و برای یک هدف خاص که شناخت و معرفی فرهنگ گیلان است تلاش کرده و جان مایه گذاشته است. البته طی

عصر یک روز پاییزی و بارانی به انتشارات گیلکان واقع در خیابان حاجی آباد رشت می‌روم. فضایی مملو از کتاب، مجله و روزنامه، آقای محمدتقی پوراحمد جکتاجی پشت میز کارشان نشسته‌اند، می‌دانم ترجیح می‌دهند مصاحبه به زبان زیبا و شیرین گیلکی باشد، چه افتخاری از این بهتر.

● می‌گویم دست مریزاد، کمی از خاطرات انتشار گیله وای سی ساله بگویند.

می‌گوید: «زمانی در آغاز جوانی و شروع فعالیت روزنامه نگاری نشریه دامون را داشتم. شناخت گیلانیان و فرهنگ بومی‌شان همیشه برای من یک دغدغه بود و دوست داشتم بدانم در مقابل اقوام دیگر چه موقعیتی و چه امتیازاتی یا ضعف‌هایی داریم. چطور ضعف‌هایمان را جبران کنیم تا قادر به عرض اندام باشیم. بنابراین نشریه دامون را به صورت دو هفته‌نامه تا چند شماره منتشر کردم اما مجال پیدا نکردم دامون را به انجام برسانم. چهار سال بعد از دامون برای انتشار گیله و تقاضا دادم تا اهدافم را در زمینه شناسایی و معرفی فرهنگ گیلان دنبال کنم، ولی انتظار چند سال طول کشید و مقارن با شب عید ۱۳۷۱ مجوز مجله به نام گیله و صادر شد. در پایان سال عملاً کاری نمی‌توانستم بکنم، صبر کردم تا از

این ها هم نه بخاطر اینکه مزیت یا ضعفی نسبت به اقوام دیگر داریم بلکه ما خودمان هستیم و همه اقوام با هم و در کنار هم ایران را می سازیم و ایران و منطقه هم جهان را می سازند. به بیان دیگر هر یک از ما قبل از اینکه گیلک، کرد، ترک، بلوچ و ایرانی یا خارجی باشیم یک انسان هستیم. منتهی هر انسان وابسته به یک سرزمین است و به فرهنگ، اقلیم، مذهب، آیین و زبانش بها می دهد. زمانی که گیله و او را شروع کردم دیدم به این موضوعات بها داده نمی شود و کسانی هم که عرض اندام می کنند فقط در حوزه کاری و تخصصی خودشان است و زیاد نشر پیدا نمی کند.

بنابراین گفتم تربیونی درست کنم برای پرداختن به فرهنگ و زبان گیلانی که این کار با نشریه دامون شروع شد و بعد گیله و او، سپس نشر گیلکان، گیلان نامه ها، تأسیس خانه فرهنگ گیلان، بنیاد پژوهشی گیلان و موزه میراث بود. در کل جاهایی توانستیم در این حوزه فضاهایی را باز کنیم و کار را ادامه دهیم».

● **مدیر نشریه گیله و از تاثیر فضای مجازی می گوید و برای ادامه گیله و برنامه های دارد.**

«واقعیت این است که انتشار نشریه در زمان کنونی خیلی سخت شده است. البته به این صورت ادامه دادن برایم کار سختی نیست ولی فکر می کنم با توجه به اینکه اصلاً حیات مطبوعات و رسانه ها تغییر شکل داده، ناگزیریم این تغییر شکل را با وجود فراگیر شدن تکنولوژی بپذیریم همانطور که زمانی خشت، پوست، پاپیروس، کاغذ و چاپ بوده، الان هم دنیای مجازی جایگزین آن ها می شود بنابراین باید به مخاطبین کمتر و تخصصی تر فکر بکنم و ممکن است نشریه گیله و او را به فصلنامه تغییر داده و قطع مجله را نیز کوچکتر و به صورت کتابی کنم و تیراژش محدود شود فقط برای مشترکین و تعداد محدود دیگر و با فاصله زمانی بیشتر، ولی ادامه خواهیم داد».

● **مدیر نشر گیلکان ادامه می دهد:** «البته امسال نیز مجله را مانند قبل انتشار می دهیم تا سی سال کامل شود. چون ناگزیر هستیم که بعد از تولید محتوا، تعداد چاپ را محدود کنیم برای مخاطبین خاص گیله و او. اکثر مخاطبین مجله که از اول با ما بودند الان در سنین سالمندی بوده و با مشکلات مختلف روبرو هستند. حتی یادم است قبلاً بعضی ها به من زنگ می زدند که فرزند یا نوه نام مجله گیله و او را برایم می خواند ولی الان دیگر فرزندان و نوه ها هم درگیر فضای مجازی هستند و تقریباً طبیعی هم هست چون همانطور که شیوه آرایه محتوا و مطالب تغییر کرده شیوه علاقمندی ها نیز دچار تغییرات شده. مخاطبین فعلی بی تاب هستند. می خواهند یک لحظه اینستاگرام ببینند، ولی ما عادت کردیم برای نوشتن یک مقاله پژوهشی ۱۰ مقاله پژوهشی دیگر بخوانیم و مقایسه کنیم. الان طوری شده که با همه هزینه ای که انتشار یک نشریه دارد، مخاطب علاقه ای ندارد با دقت و عمق مطلبی را بخواند».

● **وقتی نظرشان را در مورد اینکه کمیت کیفیت می آورد می پرسیم، می گویند:** «کیفیت نسبی است و کمیت تحت شرایطی می تواند کیفیت را رقم بزند. اگر تعداد زیادی باشند میان بخشی از آن ها یک نوع هوش و رقابت و نبوغ هم هست، سعی می کنند زرد نباشند و چیزی تولید کنند. بنابراین اگر کسی بررسی بکند می تواند تمیز دهد که چه کسی بهتر کار می کند. مثلاً وقتی بخواهند مطبوعات پس از انقلاب را بررسی بکنند، تاریخ قضاوت می کند که کدام روزنامه بهتر و جامع تر کار کرده است چون صفحات بعضی از نشریات قابل استناد است».

● **وی ادامه می دهد:** «در حال حاضر حدود بیست مجله در گیلان چاپ می شود در بین این تعداد با این کمیت می توانید کیفیت را بسنجید. گاه نشریه ای که مثلاً قرار بوده در مورد فرهنگ و زبان گیلان کار کند وارد فرهنگ و زبان ایران می شود، البته بد نیست، ولی وقتی از زبان گیلان خارج شوید باید با نشریات تهران رقابت کنید بنابراین در اینجا کمیت لحاظ می شود و این نشریات از کمیت مطبوعات فرهنگ گیلان دور می شوند، بازهم گیله و آنها می ماند و کار کردن بدون رقیب چیز خوبی نیست. چون نمی توانم با کسی رقابت کنم، انگار داریم در یک سیکل دور می زنیم و فعلاً جامعه ما کشش ندارد که بیشتر از این اقدام کنیم. چون کسی که قبلاً با من همراه بود الان به سنین سالمندی رسیده مثلاً می گوید چشمم نمی بیند حروف را درشت تر بزن، در حالی که اندازه حروف اگر از حدی بیشتر شود به لحاظ فنی درست نیست. یعنی مسایل مختلفی داریم از تایپ تا غلط گیری و نمونه خوانی برای چنین مجله ای که روی زبان گیلکی کار می کند کار خیلی دشوارتر است».

● **وی در خاتمه در مورد فضای مجازی می گوید:** «می توانم خودم را با دنیای مجازی خیلی وقف دهیم. زمانی افراد علاقمند، خیلی مشتاق بودند که مقالاتشان در نشریات از جمله در گیله و او چاپ شود ولی الان هر کس برای خودش سایتی دارد و هر چیزی که به مدال نگارشی منتشر می شود و مدام همدیگر را استاد نیز خطاب می کنند».

**آمد و چه دلایلی دارد؟**

● **وی می گوید:** «پاسخ به این سوال هم پرداختن به حوزه سیاست را می خواهد و هم اجتماع. چون جامعه ما از زمان قاجار و آمدن پهلوی متحول و سرعت ورود پدیده های غربی بیشتر شد. یک سری از آداب و سنن به حاشیه رفت. البته تا حدی طبیعی است ولی گاه کنار گذاشتن آداب و رسوم به صورت افراطی در بعضی از مناطق از جمله گیلان اتفاق افتاد. گیلان یک جامعه باز است. هر جامعه و قومی شخصیت خاص خود را دارند. همانطور که آدم ها از نظر قومی و خلق و خوی و صفات با هم متفاوت هستند. بعضی از آدم ها حاشیه ندارند، ولی بعضی دغل باز و تعدادی ماجراجو یا هوشمند هستند... ما گیلانی ها در مسیر تجدد قرار گرفتیم ولی بدون اینکه سنت های خوب حفظ و سنت های بد حذف شود به صورت افراطی پیش رفتیم و خیلی از صفات به صورت خودجوش کنار گذاشته شد و از نظر طبقاتی نیز به آن دامن زده شد. البته سیاست پهلوی هم تبلیغ کرد. اقوام دیگر نیز با فرهنگشان از بین رفت و با مقاومت کردند و هنوز ادعا دارند. به عنوان مثال قدیم همه با هم گیلکی حرف می زدیم مگر در مواردی که مهمانی از شهری دیگری می آمد با او فارسی صحبت می کردند ولی الان همه با هم فارسی حرف می زنند. البته در برخی موارد احیای سنت ها را در جامعه می بینیم ولی این کار هم باید با پویایی انجام شود و به روز باشد. باید سنتی که منطقی باشد را احیا و حفظ کنیم نه سنتی را که خرافه است. ما نیز در گیله و او هیچوقت منعکس کننده سنت های بی ارزش و خرافه نشدیم و حتی با این موضوعات مبارزه کردیم. از آن زمان برای هر استانی حرفی در آوردند و صفتی نسبت دادند و در این مسیر متأسفانه هویت گیلانی دچار خودباختگی شد به گونه ای که گاه ممکن بود یک گیلانی تلاش کند وقتی در جمعی دیگر و در شهری مثل تهران است خودش را در اقوام دیگر استحاله کند. این مسایل از نظر هویتی و روانی خیلی تاثیر داشت. اما بعد از انقلاب تا حدی این موارد برجسته شد. چون آن زمان شرایطی که اقوام هر کس برای خودش زبان و لهجه خاص داشته باشد و آن را بنویسد و سخنرانی بکند و نشر دهد وجود نداشت. البته هر حکومتی سیاست خودش را دارد. تمام هدف گیله و او حفظ فرهنگ بومی و گیلانی به عنوان یکی از اقوام ایرانی و زبان گیلکی به عنوان یکی از زبان های ایرانی بود. زبان گیلکی جدا از زبان فارسی هست اما جدا از زبان ایرانی نیست».



ملاحت نمی کنم. همه قرار نیست مثل من فکر بکنند. مضاف بر اینکه باور کنید برای من مسایل اقتصادی در مرحله دوم و سوم است».

● **جکتاجی در مورد اینکه طی این سی سال انتشار آیا از طرف افراد علاقمند به گیله و حمایت هایی داشته یا نه، می گوید:** «بله، حمایت هایی داشتم ولی این حمایت ها آنقدر گسترده نبود. به عنوان مثال مشترکانی داشتم که اگر هزینه اشتراکشان صد هزار تومان بود یک میلیون تومان برای حمایت از نشریه پرداخت می کردند اما این افراد محدود بودند. هزینه های انتشار نشریه خودتان می دانید که خیلی بالاست. من هدف را نگاه می کنم. اما کسی که از اول تا آخر هم و غم خود را برای مسایل فرهنگی جامعه بگذارد و بداند که بار اقتصادی در این بخش نیست و فقط باید عشق، علاقه، غیرت و تعصب منطقی داشته باشد و در این زمینه مداوم کار بکند و با من همپا باشد، پیدا نشد. یعنی افرادی نیامدند به این صورت کار کنند. اگر رقابت داشتیم خیلی بهتر کار می کردیم».

● **می پرسیم الان میزان رضایتمندی شما از انتشار سی ساله گیله و چقدر است، به نظر خودتان چقدر توانستید در معرفی، زنده نگهداشتن و انتقال فرهنگ گیلان به نسل جدید موفق باشید؟ می گوید:** «من راضیم که هنوز این کار را ادامه می دهیم. چون تاثیراتش را گذاشته، مثلاً افزایش پژوهش های گیلانشناسی، چون قبلاً خیلی کم بود. به عنوان نمونه آقای سرتیب پور، آقای فخرایی و چندین نفر دیگر در مورد گیلان پژوهی مقالاتی نوشتند. ولی الان در مورد گیلان و گیلانشناسی نهضتی بوجود آمد. ما در گیله و او و انتشارات گیلکان سعی کردیم ادبیات مکتوب گیلکی را تولید کنیم. چون تا آن موقع هر چه داشتیم شفاهی بود، مرحوم شیون فومنی به گیلکی اشعار زیادی گفت، حتی شاعری که یک بیت شعر گیلکی گفته باشد زحمت خودش را کشیده منتهی کتابت کردن اینها و اینکه کسی پیدا شود تمام زندگی خود را در این مورد بگذارد و هزینه های مختلف مالی، خانوادگی و جانی متحمل شود و حتی از توان های خود در حوزه های دیگر بگذرد قدری محل تامل است».

● **می گویم گیله و او در جمع گیلانشناسان و ادب پژوهان و آن ها که به فرهنگ و زبان بها می دهند شناخته شده است، اما مدیران دولتی تا چه حد به جایگاه چنین فعالیت های رسانه ای بها داده اند؟ وی با بیان اینکه مدیران فرهنگی اصلاً کار را آنگونه که باید ندیدند! می گوید:** «شاید دیده باشند، ولی به ارزش و جایگاه کار واقف نبودند. البته ممکن است در جلسه یا همایشی در مورد مجله گیله و او چند کلمه صحبت کرده باشند ولی این نمی تواند تداوم کار را به دنبال داشته باشد. یعنی وقتی افرادی در راس کار فرهنگی باشند ولی مستقیماً قدمی برندارند، هیچکدام آدم را راضی نمی کند».

● **پس اعتقاد دارید طی این سی سال آطور که باید و شاید جایگاه نشریه گیله و او دیده نشده**

نه، اصلاً

● **آیا وقفه ای هم در انتشار گیله و او داشتید؟**

من مرتب کار کردم، چون تنها کار می کنم و این موضوع هم دلایلی دارد، تلاش کردم تا مادامی که سالم هستم کارم را انجام بدهم. حتی وقتی هم که کسالت داشتم، ممکن است گاه با تاخیر چند روزه مواجه بوده باشیم ولی هیچوقت وقفه ای در انتشار گیله و او پیش نیامد.

● **وقتی می گویم کار سفارشی هم در گیله و او انجام دادید، می گوید:** «کار سفارشی انجام دادم ولی با این شرط که اول خودم به لحاظ فرهنگی راضی باشم نه برای سودهای خاصی. مثلاً به سفارش میراث فرهنگی ویژه نامه ای با مطالب پژوهشی در مورد منطقه گسگر در گیله و او کار کردیم که در واقع جزو حوزه کاری ما بود و از نظر فنی اصول ما رعایت شد. البته بارها در انتخابات پیشنهادات مختلف به من شد که تبلیغات انتخاباتی در گیله و او انجام دهم ولی من هرگز این کار را نکردم. ولی بعضی نشریات ادبی و تخصصی برای تبلیغات نماینده ها کار کردند. اما دقت من بیشتر روی شاخص های هویتی ما، سرزمین و اقلیم گیلان بود. در سرمقاله ها همیشه به دلایل عقب ماندگی گیلان اشاره کردم. تعرفه مناطق جغرافیایی، شناساندن تاریخ، اقلیم و سرزمین برایم مهم بود. خصوصاً پرداختن به زوایای تاریخی که ریشه های هویتی ما را شکل می دهند، فولکلور، آداب و سننی که از میان رفتند از جمله نوروز بل».

● **می گویم آیا فرهنگ گیلان به تاسی از فرهنگ دیرین در حال ارتقاء است، اگر نه، چه چیزی پیش**

**گیلان فردا** - معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور از تعامل و مذاکره این سازمان با دستگاه‌های اجرایی برای ورود اطلاعات پرداختی کارکنانشان خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان اداری و استخدامی کشور، دکتر لطیفی با اشاره به قانون برنامه ششم توسعه، گفت: از سال ۱۳۹۶ که این قانون لازم‌الاجرا بوده، مقرر شد تا پایان همان سال این قانون همه دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده ۲۹ این برنامه، اطلاعات مربوط به حقوق و مزایای کارکنان خود را در سامانه‌ای وارد کنند اما به دلیل نبود اهتمام لازم در بین مدیران اجرایی، با وجود اینکه زیرساخت‌های لازم از سوی سازمان اداری و استخدامی کشور فراهم شده بود، این اتفاق صورت نگرفت و متأسفانه به مرور ادراک بی‌عدالتی میان همکاران ما در دولت افزایش پیدا کرده است. راهکار مقابله با ادراک بی‌عدالتی اجرای قانون است؛ موضوعی که امروز ما با آن مواجه هستیم ضعف قانون نیست بلکه ضعف در اجراست. وی به سامانه «پاکنا» اشاره کرد و اظهار داشت: «سامانه پایگاه اطلاعات کارکنان دولت» به منظور ورود اطلاعات افرادی که در دستگاه‌های اجرایی به کار گرفته می‌شوند راه‌اندازی شد اما با وجود

## اهتمام جدی دولت برای ثبت حقوق و مزایای کارکنان همه دستگاه‌های اجرایی



این سامانه و قانون برای ورود اطلاعات، این اتفاق به‌درستی نیفتاده است. وی سازمان اداری و استخدامی کشور را مدعی العموم دانست و تصریح کرد: ما برای رسیدن به این هدف با

همراهی سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی بنا را بر این گذاشته‌ایم که همه تلاشمان فعال شدن سامانه حقوق و مزایا باشد؛ برای تقویت زیرساخت‌ها نیز از وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات کمک می‌گیریم.

دکتر لطیفی از مستثنی بودن برخی دستگاه‌های اجرایی از قانون مدیریت خدمات کشوری انتقاد کرد و گفت: متأسفانه برخی دستگاه‌ها قوانین خاص خود را دارند، به همین دلیل در ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه، نام تمامی دستگاه‌های مشمول اعم از اینکه قانون خاص خود را دارند یا از قانون عام تبعیت می‌کنند آورده شده است تا هیچ دستگاهی عذر و بهانه‌ای برای وارد نکردن اطلاعات پرداختی‌های خود نداشته باشد و نهایتاً یک انضباط مالی ایجاد شود.

وی با بیان اینکه ۱۵۰ دستگاه اصلی و مادر در سامانه پاکنا احصا شده‌اند، تصریح کرد: نزدیک به ۳۰ دستگاه تقریباً کامل و ۴۰ دستگاه بیش از ۸۰ درصد از اطلاعاتشان را وارد کرده‌اند و ۱۷ دستگاه نیز هیچ اطلاعاتی را در سامانه ثبت نکرده‌اند.

وی از راه‌اندازی دو سامانه با عناوین سامانه یکپارچه نظام اداری، «سینا»، و داشبورد اطلاعاتی نظام اداری، «دانا»، در آینده نزدیک خبر داد.

## اقتصاد ایران گرفتار

### کاهش تقاضا و انباشت کالا

**گیلان فردا** - صاحب‌نظران می‌گویند کشور چندین دهه است که با پدیده‌ای به نام رکود تورمی روبرو است. اما به دلیل مشکلات ساختاری که در اقتصاد ایران وجود دارد، نمی‌توان به همین راحتی رکود تورمی که سال‌هاست بر تولید کشور سایه انداخته را کنار زد، باید تغییر نگرش اساسی و ساختاری در ذهن و فکر مدیران و متولیان کشور ایجاد شود، زیرا سوء تصمیم‌گیری موجب سوء مدیریت و ناکارآمدی شده و نتیجه‌اش وضعیت فعلی است. مرتضی افقه، کارشناس مسائل اقتصادی در گفتگو با سایت فرارو با اشاره به اینکه اخیراً مسئولان می‌گویند کشور را گران اداره می‌کنیم، بنابراین باید هزینه‌ها را کاهش داد، گفت: این موضوع یک مسئله ساختاری است و ریشه در نظام حکمرانی اقتصادی کشور دارد، اگر می‌خواهیم وضع اقتصادی بهبود یابد و رکود تورمی از بین برود اول باید نوع تفکر خود را اصلاح کنیم و سپس از ریخت و پاش‌های اقتصادی و هزینه‌های اضافی که سالهاست بر بودجه کشور تحمیل شده، حذر کردوی ادامه داد: زمانی که در سال ۹۷ ترامپ

از برجام خارج شد و تحریم‌های حداکثری را علیه ایران وضع کرد، در داخل قیمت ارز و به دنبال آن قیمت کالاهای اساسی و مایحتاج مردم افزایش یافت، نتیجه چنین وضعیتی این بود که بخش تولید کشور وارد رکود طولانی مدتی شد. در یک طرف قدرت خرید مردم و تقاضا برای خرید کالا و خدمات با کاهش بسیار زیادی روبرو شد و در سوی دیگر نیز با کاهش عرضه مواجه شدیم، زیرا با افزایش قیمت ارز، هزینه تولید کالا و همچنین تهیه مواد اولیه و واردات آن افزایش یافت و عملاً تولید بسیاری از کالاها در داخل کشور صرفه اقتصادی خود را از دست داد، نتیجه این مسئله نیز ورشکستگی و تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های تولیدی شدوی ادامه داد: اگر این بحران تقاضا همچنان ادامه پیدا کند رکود تورمی شدیدتر می‌شود و این موضوع تعطیلی کارخانجات و بنگاه تولیدی بیشتری را موجب می‌شود، زیرا با انباشت کالاها در انبار کارخانه‌ها، بنگاه‌ها نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند، چراکه آن‌ها باید تسهیلات



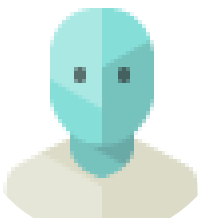
خارجی از طریق احیای برجام و پیوستن به FATF است. افقه گفت: تا زمانی که این دو اقدام انجام نشود، اقداماتی نظیر افزایش تولید، اشتغال، رونق تولید و صادرات محقق نمی‌شود، بنابراین تمامی شعارهایی که دولت یا مجلس در مورد افزایش تولید و از بین بردن رکود، با وجود تحریم‌ها می‌دهند، در حد همان شعار باقی خواهد ماند، زیرا اگر چنین چیزی می‌توانست اجرا شود، قدر مسلم دولت‌های قبل افتخار چنین کاری را نصب خود می‌کردند، اما به دلیل وابستگی شدیدی که اقتصاد ایران به واردات و همچنین همکاری‌های بین‌المللی دارد، شاهد هستیم که چندین سال است اقتصاد وارد رکود عمیق شده و این وضعیت روز به روز تشدید می‌شود.

و وام‌های خود را پس دهند، حقوق و دستمزد کارگران را بپردازند و هزینه مواد اولیه ای که خریدند را تسویه کنند، این کارها در صورتی که آن‌ها نتوانند کالاهای تولیدی خود را بفروشند، امکان‌پذیر نیست، پس ناگزیر به تعطیلی خواهند بود. این کارشناس مسائل اقتصادی خاطرنشان کرد: بنابراین اگر دولت می‌خواهد از رکود تورمی خارج شود، باید تقاضا یعنی همان قدرت خرید مردم افزایش یابد که این کار نیز در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست. اما اگر تحریم‌ها برداشته شود، دولت می‌تواند پول فروش نفت خود را به داخل بازگرداند، آن زمان می‌توان با تزریق پول به اقتصاد، چرخ تولید را به گردش درآورد و تا حدودی تورم را کنترل کرد، اما موضوع مستلزم رفع تحریم‌های

## فیش حقوقی ما را منتشر نکنید

تومان است و این در حالی است که دستمزد افراد شاغل در شرکت‌های خدماتی که برای نظافت ساختمان می‌آیند ساعتی حدود ۳۵ هزار تومان می‌باشد!

استثمار به شیوه‌های نوین نه انگیزه‌ای برای قشر عظیمی از شاغلین باقی گذاشته و نه امیدی به بهبود شرایط کار و اشتغال برای بیکاران. در چنین شرایطی اگر فیش حقوقی افرادی که حداقل حقوق قانون کار را می‌گیرند ولی با تورم بالای ۵۰ درصدی معیشت می‌گذرانند، منتشر شود جز باعث شرمساری نخواهد بود!



**گیلان فردا** - انتشار فیش حقوقی بعضی از مدیران که با هیچ دو دو تایی جور در نمی‌آید این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که واقعا بقیه ملت کجای کار هستند! هر چند که طی دهه‌های اخیر بعد از انتشار هر فیش حقوقی نجومی تلاش شد تا آن را نادرست جلوه داده و یا توجیهاتی برایش فراهم کنند ولی زنان از توصیف این همه حق و ناحق نه تنها عاجز بلکه قاصر است! طبق قانون کار، حقوق روزانه افراد مشمول این قانون بابت هشت ساعت کار حدود ۸۰ هزار

## سی روز کار برای یازده روز زندگی

است و اگر هر کدام از اعضای این خانواده برای شام هر شب فقط دو عدد تخم مرغ بخورد، قیمت تخم مرغ را هم همان قیمتی در نظر بگیریم که در هفته‌های گذشته توسط ستاد تنظیم بازار اعلام شد، یعنی هر شانه ۳۰ عددی، ۴۳ هزار تومان که برای هر دانه تخم مرغ رقمی حدود ۱۴۰۰ تومان می‌شود، این خانواده برای هر شب هشت عدد تخم مرغ مصرف می‌کند که برای سی روز رقمی معادل ۳۳۶ هزار تومان خرج برمی‌دارد.

بنابراین فقط برنج و تخم مرغ ساده حدود یک چهارم درآمد یک کارگر را می‌بلعد اما آیا واقعا می‌شود فقط تخم مرغ و برنج خورد؟ به این محاسبات هزینه‌های مسکن، درمان، آموزش، پوشاک، ایاب و ذهاب و ... را هم اضافه کنید!

**گیلان فردا** - محاسبات نشان می‌دهد بیشتر کارگران دچار سوء تغذیه و پرکاری بدون استراحت برای تامین هزینه‌های زندگی هستند.

به گزارش عصر ایران اگر کارگر توسط کارفرما بیمه باشد، ماهانه فقط سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند که باید با آن همه مخارج زندگی را بدهد، اما این رقم حتی برای خورد و خوراک ۱۱ روز از زندگی نیز کافی نیست! اگر یک خانواده چهار نفره در روز برای نهار فقط برنج ساده بخورند و نوع برنج هم ارزان‌ترین آن مثلاً برنج هندی باشد، باید در ماه سی روزه، ۱۵ کیلو برنج بخرند که با فرض قیمت اعلامی ستاد تنظیم بازار مبنی بر قیمت ۱۸ هزار تومانی، برای یک ماه هزینه‌های معادل ۴۰۵ هزار تومان نیاز



شاخص افزایش نرخ اجاره در کل کشور در آبان سال جاری ۵۵ درصد بوده است

# سیر صعودی شاخص اجاره بها در رشت



طرح: بهروز فیروزی

ترجیح داده‌اند اجاره واحدهای مسکونی خود را تمدید کنند. ساخت و ساز نیز در رشت وضعیت جالبی ندارد و این وضعیت باعث شده برخی از انبوه سازان به سمت ساخت و ساز مشارکتی بروند تا هزینه‌های سنگین ساخت و ساز را جبران کنند زیرا می‌دانند نمی‌توانند به فروش خانه‌ها در کوتاه مدت امیدوار باشند.

و ودیعه خانه به ناچار راضی به تمدید شده‌اند تا هزینه‌های بیشتری را متحمل نشوند. متأسفانه در برخی مناطق، حتی رشد بیش از ۱۰۰ درصدی قیمت‌ها را شاهد هستیم و صاحبخانه‌ها نیز هیچ توجهی به مفاد اعلام شده از سوی ستاد کرونا مبنی بر افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی اجاره خانه ندارند و همچنان یک‌ه تازی می‌کنند. بنابراین اغلب مستاجران

افزایش قیمت مسکن دارد. در حال حاضر افزایش و جهشی که در قیمت‌ها اتفاق افتاده، بسیاری از افراد را مجبور به زندگی در اطراف شهرها کرده است. اگر چه قیمت مسکن و اجاره‌ی آن در محلات مختلف با یکدیگر متفاوت است اما وجه مشترک همه آنها افزایش صد درصدی در بخش اجاره است.

نبود تناسب بین درآمد و هزینه و ضعف مالی اقشار متوسط که مشتریان بازار مسکن هستند، کفاف قیمت حساب گونه مسکن را ندارد. چون با شرایط فعلی درآمد بسیاری از اقشار مردم حتی کفاف گذران میشت روزمره را هم نمی‌دهد چه برسد به پس انداز برای خرید خانه. در چنین حالتی بسیاری از مستاجران در رشت و دیگر شهرهای گیلان حتی با وجود افزایش بالای ۵۰ درصدی کرایه

و حدود ۱۳۰ هزار نفر تسهیلات را دریافت کرده‌اند. این در حالی است که حدود ۸۵ میلیون خانوار در کشور مستاجر هستند.

## آشفته‌گی بازار اجاره مسکن در رشت

همزمان با افزایش اجاره مسکن در کشور، نرخ رشد اجاره بهای خانه در گیلان نیز سیر صعودی داشته است. نبود سیاستگذاری مناسب در حوزه مالی و حجم بالای نقدینگی سرگردان در بازار سرمایه، حساب در بخش مسکن را افزایش داده است.

در نتیجه رویای خرید مسکن برای بخش زیادی از اقشار جامعه به رویایی دورتر از قبل تبدیل شده است. طبق گزارش مرکز آمار ایران، گیلان در بین سایر نقاط کشور رتبه یازدهم را در

**گیلان فردا**-افزایش نرخ های بازار اجاره طی چهار سال گذشته در حالی فشار به خانوارهای مستاجر را افزایش داده که دستمزد کارمندان و کارگران که اغلب اجاره‌نشین هستند متناسب با رشد قیمت اجاره، افزایش نداشته است. گزارشها گویای آن است که شاخص افزایش نرخ اجاره در کل کشور در آبان سال جاری ۵۵ درصد بوده است. تسهیلات کمک ودیعه مسکن نیز به دلایلی همچون سخت‌گیری بانک ها در خصوص معرفی ضامن، حکم مسکن را هم برای خانوارهای اجاره‌نشین ندارد. به گزارش ایسنا، طبق آماري که محمود محمودزاده، معاون وزیر راه و شهرسازی اعلام کرده تا پایان آبان ماه سال جاری یک میلیون و ۶۴۰ هزار نفر به منظور دریافت وام کمک ودیعه مسکن ثبت نام کرده‌اند که ۶۳۰ هزار نفر به سیستم بانکی معرفی شده

# بحران های انتقال آب هنوز خودنمایی نکرده است

مهاجرت‌های قومی و منطقه‌ای هم باشیم. این کارشناس تأکید کرد: علی‌رغم اینکه در فضای بحران قرار گرفتیم اما هنوز شکل واقعی در طول ۱۰ تا ۲۰ سال آینده مشخص خواهد گذاشت. برخی از بحران‌هایی که با آنها مواجه هستیم جبران‌ناپذیر است؛ برای مثال می‌توان به بحران استفاده از منابع آب زیرزمینی اشاره کرد که در این مورد هم مزیت‌سازی کرده و تصمیم گرفته شد عمق چاه‌ها برای برداشت افزایش یابد که اجازه این کار را نداشتیم. نشست‌هایی به وجود آمده که شهرها و بناهای تاریخی ما را تهدید می‌کند و مزیت‌هایی که در این شهرها وجود داشته هم از بین می‌روند. وی افزود: به عنوان مثال کسی محاسبه نکرده که اگر اصفهان در بهترین حالت خود از مزیت‌های توریستی بین‌المللی استفاده می‌کرد چه منافعی ایجاد می‌کرد که حالا بگوید اضافه شدن ظرفیت‌های صنعتی چه کمکی به اصفهان کرده است. در مورد دریاچه ارومیه هم همینطور است. یک مزیت توریستی بسیار خوبی می‌توانست با دریاچه ارومیه شکل بگیرد و ظرفیت‌های منطقه‌ای آن را فعال کند اما تصمیم گرفتیم که به جای استفاده از ظرفیت توریستی، در اطراف دریاچه باغداری را توسعه دهیم. نتیجه آن سالانه تولید میزان زیادی سیب مازاد شده که از بین می‌رود و تبدیل به کود می‌شود، قسمتی از آن هم به صورت صادرات غیرحرفه‌ای از ایران خارج می‌شود.

گرفتند ممکن است امروز دیگر بر مسند کار نباشند اما آثار تصمیمات آنها سال‌ها بعد در حال بازنمایی در اقتصاد و مسائل اجتماعی است. وی افزود: مسیر جابجایی‌ها نیازمند همراهی عمومی و کارشناسی است. عصری که در آن به سر می‌بریم عصر شفافیت و سرعت جابجایی اطلاعات است. وی با تأکید بر تهدیدهای مهاجرت به این مناطق گفت: اتفاق ناگواری که در ۴۰ تا

این سرشاخه‌ها آب‌هایی را هم به مناطق مرکزی منتقل کردند. بنابراین از منابع کارون برای جاری کردن منابع به سمت استان‌های کم‌برخوردار آبی استفاده شد. فروزان‌فرد بیان کرد: برای مثال در استان یزد تولیدکنندگان کاشی و سرامیک را داریم که یک صنعت آب‌بر است. چون منبع خاک و نیروی انسانی وجود داشته، تصمیم گرفته شده آب به این منطقه

بود که حداکثر ارزش افزوده به استان‌های خاصی برود که از آنها مسئول یا مسئولانی در جایگاه حاکمیت حضور داشتند. در استان‌های یزد، کرمان، اصفهان و ... که همیشه نفرت تعیین‌کننده‌ای در حاکمیت داشتند، شاهد این اتفاقات هستیم. وی گفت: باید مطابق با مزیت‌های واقعی محیط زیست پیش رویم، آنچه که امروز به عنوان کسری منابع آبی داریم، بیشتر

**گیلان فردا**-قصه پرغصه‌یی آبی و کم آبی مدت هاست نقل محافل شده، زاینده رود و دریاچه ارومیه خشک شدند، هموطنان خسته و نا امید از عدم مدیریت صحیح منابع آبی در کشور، خواهان رسیدگی جدی و رفع این مشکل هستند تا بیش از این مسئله آب تبدیل به معضل نشود. اما چرا قبل از وقوع تدبیری اندیشیده نشد؟ اصولاً آیا برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف اندیشه و نگاهی همه‌جانبه نگر وجود دارد؟! حسن فروزان‌فرد، نایب رئیس کمیسیون توسعه پایدار، محیط زیست و آب اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با ایلنا در مورد انتقال منابع آبی به فلات مرکزی گفت: آنچه در زمینه آمایش سرزمینی باید مورد توجه قرار می‌گرفت، شوربختانه مورد توجه قرار نگرفت. توانمندی‌های لابی‌گری و قدرت سیاسی عامل اصلی بسیاری از تصمیمات بوده، در واقع امروز آثار دستکاری در مزیت‌های محیط زیست را می‌بینیم. ما تصمیم گرفتیم که آب را از مخازن طبیعی زاگرس به بخش‌های مرکزی فلات ایران منتقل کنیم که دستاورد این کار، توسعه غیرمتناسب و ناپایدار در فلات مرکزی ایران است. وی افزود: در استان‌هایی مثل یزد، کرمان و ... معادنی داریم که قابلیت‌های خوبی دارند. این معادن قابلیت این را دارند که به کناره‌های ساحل مکران یا هرمزگان منتقل شوند و از آب استفاده کنند. اگر ظرفیت‌های صادراتی آنها فعال شود از این موقعیت بهره‌مند می‌شوند. اما تصمیم این



۵۰ سال گذشته روی داده این است که مهاجرت نیروی انسانی از سمت زاگرس که صاحب منابع آبی بودند به سمت فلات مرکزی سرازیر شده است، چون توسعه‌های صنعتی را در استان‌های مرکزی مانند اصفهان، کرمان، یزد و تهران متمرکز کردیم. بنابراین جمعیت به طور غیرطبیعی توسعه پیدا کرد، وقتی صنعت را در منطقه‌ای توسعه می‌دهیم باید منتظر

منتقل شود. چنین جابجایی‌هایی در بلندمدت به خصوص در زمان خشکسالی خودنمایی می‌کند و استان مبدا دچار تنش‌های آبی شده به حساسیت‌های منطقه‌ای دامن زده می‌شود همانطور که اکنون هم شاهد ناراضیاتی‌ها از انتقال آب به فلات مرکزی هستیم و می‌تواند باعث برهم خوردن تعاملات اجتماعی استان‌ها شود. کسانی که چنین تصمیماتی

انها قابل جبران نیست. با توجه به اینکه مقادیر زیادی از آب منطقه کارون در نهایت به خلیج فارس ریخته و به آب شور تبدیل می‌شود، تصمیم گرفته شد با مهار آب‌های سرشاخه‌ها و سرچشمه‌ها برای موارد دیگر در بالادست استفاده شود تا قسمت کمتری از آن به خلیج فارس بریزد. به این ترتیب انواع و اقسام سد‌ها روی رود کارون و سرمنشاها شکل گرفت، از محل

مورد توجه قرار نگرفت. شوربختانه لابی‌گری و قدرت سیاسی عامل اصلی بسیاری از تصمیمات بوده، در واقع امروز آثار دستکاری در مزیت‌های محیط زیست را می‌بینیم. ما تصمیم گرفتیم که آب را از مخازن طبیعی زاگرس به بخش‌های مرکزی فلات ایران منتقل کنیم که دستاورد این کار، توسعه غیرمتناسب و ناپایدار در فلات مرکزی ایران است. وی افزود: در استان‌هایی مثل یزد، کرمان و ... معادنی داریم که قابلیت‌های خوبی دارند. این معادن قابلیت این را دارند که به کناره‌های ساحل مکران یا هرمزگان منتقل شوند و از آب استفاده کنند. اگر ظرفیت‌های صادراتی آنها فعال شود از این موقعیت بهره‌مند می‌شوند. اما تصمیم این

# گجت (Gadget) چیست؟



به حساب می آید و لزوماً گجت نیست، اما یک فرمان بازی (joystick) یا هلیکوپتر روی یک دوربین، گجت محسوب می شود و در عین حال یک وسیله هم هست که از نوع گجت می باشد. پس هر گجتی، یک دستگاه است، اما هر دستگاهی یک گجت نیست.

دلیل طرح جذاب و جدیدی که در آن ها است، با تعدادی کم و قیمت گران، ابتدا در نمایشگاه ها و سپس در مکان هایی محدود، قابل استفاده می باشند. این مسئله مهم است که معانی واقعی کلمه «گجت» و «دستگاه» اشتباه گرفته نشود. برای مثال، یک دوربین، وسیله

های نو بهره می برند. آنها گاهی می توانند بسیار گرانقیمت، لذت بخش و جالب بوده و کارهای مختلف را آسانتر کنند. گجت ها دستگاه هایی هستند که با تکنولوژی های روز سروکار دارند و ایده خاصی را دنبال می کنند و قطعاً به

**گیلان فردا** - گجت یا ابزارک به وسایل الکترونیکی یا مکانیکی کوچکی گفته می شود که برای کاربردهای خاصی طراحی شده اند و به آسانتر شدن زندگی کمک می کنند. در واقع گجت ها وسیله هایی ابتکاری، خلاقانه و جدید هستند و از فناوری

## هک کردن رویاهای انسان و نمایش تبلیغات در خواب



توانایی هک کردن رویای افراد را دارد. آنها اعلام کردند اخیراً یک کمپین تبلیغاتی از مردم دعوت کرد تا در طرح دستکاری هدفمند رویا شرکت کنند؛ این فراخوان نشان می دهد شرکت های بازاریابی اکنون به شکل آشکارا پروژه هک کردن رویاهای انسان و نمایش تبلیغات در خواب را مورد آزمایش قرار می دهند. چند محقق در ابتدای سال ۲۰۲۱ میلادی نیز نامهای را به شرکت های تبلیغاتی ارسال و از پروژه هک رویای افراد به شدت انتقاد کردند. همچنین ۴۰ دانشمند دیگر نیز با امضای این نامه مخالفت خود را با چنین پروژه هایی نشان دادند. در واقع با وجود این که دستکاری رویا برای درمان اختلال اضطراب بعد از سانحه کاربردهای متعددی خواهد داشت، اما شرکت های فناوری و تولیدکننده ساعت های هوشمند، ابزارهای پوشیدنی و اپلیکیشن ها قادرند با نظارت روی خواب کاربران، داده های جمع آوری شده را به سایر شرکت ها بفروشند و باعث تسهیل طرح دستکاری رویاها شوند.

**گیلان فردا** - محققان با انتقاد از فناوری تبلیغات در خواب هشدار دادند برخی از بازاریابان به دنبال هک کردن رویاهای انسان و تزریق تبلیغات در خواب هستند. اخیراً مقاله ای توسط سه محقق از دانشگاه هاروارد، موسسه فناوری ماساچوست و دانشگاه مونترال در مجله علمی Aeon منتشر شد که حواشی زیادی را به همراه داشت. این سه محقق اعلام کردند بررسی های انجام شده حاکی از آن است که ۷۷ درصد از بازاریابان به دنبال استفاده از فناوری تبلیغات در خواب طی ۳ سال آینده هستند.

### جزئیات نمایش تبلیغات در خواب

تغییر رویا به فرایندی گفته می شود که به واسطه آن یک محرک مانند دستگاه های پوشیدنی، قبل یا در زمان خواب می تواند روی محتوای رویای فرد تاثیر بگذارد. دو نفر از محققان این مقاله مدتی قبل روی دستگاهی برای برقراری ارتباط در طول خواب فعالیت می کردند؛ دستگاهی که طبق اعلام آن ها

## چند گجت عجیب و کاربردی دنیای فناوری

### بالش هوشمند ضد خروپف

اگر در اطراف شما افرادی هستند که از صدای خروپف آن ها هنگام خواب به ستوه آمده اید، این بالش جدید احتمالاً می تواند کمکتان کند! گجت هوشمند Motion Pillow با اتصال به یک دستگاه، می تواند شناسایی کند شخصی که سرش را روی آن گذاشته در حال خروپف کردن است! سپس، ۴ کیسه هوا درون بالش باد می شوند تا با تغییر جایگاه سر، مسیر هوا را آزاد سازند تا از این طریق کاربر بتواند خواب آسوده و بی سروصدايي داشته باشد.



### مسواکی که در عرض ۱۰ ثانیه دندانان را تمیز می کند

این مسواک مانند ابزاری است که دندانپزشکان برای قالب گیری دندان از آن استفاده می کنند. اما در واقع این محصول یک مسواک است که به شکل حرف انگلیسی Y طراحی شده و می تواند در عرض ۱۰ ثانیه، دندانان را برق بیندازد! این کاری که باید انجام دهید این است که آن را در دهان خود گذاشته و سپس دندان هایتان را اندکی روی این مسواک فشار دهید تا به خوبی به سطح آن بچسبید. سپس آن را روشن کنید. می بینید که Y-Brush به مدت ۱۰ ثانیه به ارتعاش درآمده و دندان شما را به خوبی تمام مسواک های برقی دیگر تمیز می کند.



### ربات پیتزا ساز

ربات پیتزا ساز Picnic یک گجت هوشمند کاربردی و جذاب است و دقیقاً کاری را انجام می دهد که از اسمش پیداست؛ رباتی که پیتزا می سازد! در واقع این ربات می تواند در مدت زمان ۱ ساعت، ۳۰۰ پیتزای ۱۲ اینچی را برایتان آماده کند! نحوه کار این ربات به گونه ای است که گویا در آشپزخانه رستوران خود یک خط مونتاژ کوچک در اختیار دارید!



### آینه هوشمند

این آینه با یک صفحه نمایش و قابلیت های بسیار زیاد و متنوعی همراه است که با وجود آن زندگی آسانتر می شود. تکنولوژی تشخیص چهره به آینه این امکان را می دهد تا بر اساس نیاز فرد و متناسب با ویژگی های همان شخص پاسخ هایی را ارائه دهد. با آینه هوشمند care OS می توانید به صورت مجازی لباس های مختلفی را پرو کنید تا ببینید چه رنگ و مدلی به شما می آید!



### نئو ریتم

این محصول با یک هدبند که با یک فرمان حرکتی کنترل می شود، می تواند کیفیت زندگی تان را با یک روش متفاوت بالا ببرد. شرکت سازنده neorhythm عنوان می کند که مغز مکانیزم کنترل مرکزی احساسات، رفتار و عملکرد زندگی روزمره است و این هدبند فرکانس هایی تولید می کند که قابل مشاهده یا شنیدن نیستند، اما برای مغز شما سودمند است و استرس شما را کم کرده و پس از یک روز کاری پر استرس به ریلکس کردن و حس آرامش شما کمک می کند.



### عینک هوشمند با فناوری واقعیت افزوده

وقتی که این عینک را روی چشمان خود می گذارید، یک صفحه مجازی ۱۳۰ اینچی مقابل چشمان شما قرار خواهد گرفت. این صفحه در واقع حکم یک سینمای شخصی را دارد که می توان در آن به تماشای فیلم نشست و حتی از بازی های موبایلی لذت برد. استفاده از فناوری واقعیت افزوده در این عینک به کاربران اجازه می دهد تا خود را با ویدیوهای یوتیوب، بازی های موبایلی، فعالیت در شبکه های اجتماعی و ... سرگرم کنند.



## پاسخ شرکت های پشتیبان اینترنتی

**گیلان فردا** - معمولاً هر مقدار حجمی که اینترنت خریداری کنید از دو هفته مانده به اتمام برسد پیام می آید که سرعت اینترنت شما به ۱۲۸ رسیده یا ترافیک اضافه بخريد یا سرویس تان را عوض کنید! اگر اینترنت شما هم با مشکل مواجه شده باشد احتمالاً با این موضوعات از سوی اپراتورها روبرو بوده اید:

۵ سال پیش: مشکل شما از سیم کشی داخل ساختمان است

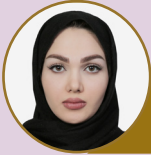
۳ سال پیش: مشکل شما از نویزگیر است

۲ سال پیش: پرزیز تلفن را تغییر دهید

امسال: مودم شما قدیمی است، عوض کنید...



# زندگی مینیمالیستی



**گیلان فردا، ساناز فرزانه** - اگر دوستدار سادگی و زیبایی آرام بخش هستید و می خواهید ذهنی شلوغ نداشته باشید مطالعه کتاب «در باب زندگی مینیمالیستی» کمک می کند تا دور و برتان را خلوت کنید.

پونه ندائی، شاعر و روزنامه‌نگار در نوشتاری به تجربه خواندن کتاب «در باب زندگی مینیمالیستی» نوشته فومیو ساساکی پرداخته و نوشته است: در بهار کتابی به دستم رسید که تا زمین گذاشتنش یک شبانه‌روز بیشتر طول نکشید. کتاب «در باب زندگی مینیمالیستی» را یک‌نفس خواندم زیرا به سادگی پاسخی به نیاز روحم بود و من در نتیجه خواندن این کتاب نیمی از اشیای زندگی‌ام را بخشیده، حراج کرده و یا دور ریخته‌ام. پیش‌تر در دوره‌های مختلف زندگی‌ام کتاب‌های فنگ‌شویی، کاترین پاندر، اسکول شین و از همه مهم‌تر برخی آموزه‌های «تذکره‌الاولیا» بارقه‌هایی از رهایی کهنه‌ها و میل به ساده زیستن را در من پدید آورده بود اما به راحتی ضربه آخر را فومیو ساساکی نویسنده مینیمالیست ژاپنی بر عطاش جمع کردن و تلبار کردن‌هایم زد. به گزارش ایسنا، نویسنده در این کتاب از راه‌های مختلف خواننده را مجاب می‌کند که دست از سر اشیای اضافه بردارد. هر کسی در حد تئوری می‌داند انباشتنی منشأ گرفتاری ذهن، محیط کار و زندگی است اما کمتر کسی موفق می‌شود که به آن عمل کند. گفتن و شنیدن آسان است اما نویسنده وقتی از قصه‌اش می‌گوید می‌بینیم او هم زمانی گرفتار انباشتنی بوده، کلی کتاب و سی‌دی خوانده و ندیده داشته، ابزار موسیقی و عکاسی متعددی داشته که رویش را خاک گرفته، اما ناگاه به این پرسش مهم می‌رسد که اصولاً چرا انسان باید این‌قدر خودش را تحت فشار بگذارد. ساساکی آن‌قدر دست به رهایی اشیایش می‌زند که فقط دست‌خط مادرش را که از زیر آوار وسایلش بیرون آمده ارزشمند می‌داند و آن را نگاه می‌دارد، گویا انسان وقتی وسایل اضافه را کنار بزند تازه عاطفه و پیوندهای روحی‌اش را می‌بیند و می‌فهمد که عاطفه تنها چیزی است که ارزش نگهداری و همزیستی با آن را دارد. مینیمالیست‌ها مردم را به داشتن وسایل کمتر و تجربه بیشتر زندگی دعوت می‌کنند. همه بر این باورند که اگر انسان برده‌اش نباشد نیاز به خرید کردن‌های بی‌پوده نداشته باشد و در محاصره وسایل اضافه نباشد آن وقت فرصت می‌یابد تا برای خودش و عزیزانش بیشتر وقت بگذارد و زندگی را بیشتر و بهتر لمس کند. برخی مینیمالیست‌ها هم هستند که مردم را به استفاده کمتر از پلاستیک دعوت می‌کنند و نشان می‌دهند که می‌توان در این دنیای مصرفی و پرهیاهو تولید زباله را به صفر (zero waste) رساند. در هر حال این کتاب تمام محدودیت‌های ذهنی برای رهاکردن را بررسی می‌کند، پس از مجاب کردن مخاطب برای رهایی وسایل اضافه به او راهکارهای عملی برای رهایی را ارائه می‌کند.

(کتاب «در باب زندگی مینیمالیستی» نوشته فومیو ساساکی ترجمه شبنم سمیعیان در ۲۳۰ صفحه توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است).



# معرفی چند فیلم مهیج و دیدنی سال ۲۰۲۱

## شکارچیان روح



● کارگردان: Jason Reitman

● بازیگران: Carrie Coon, Finn Wolfhard, McKenna Grace, Paul Rudd

بعد از اینکه یک مادر و دو فرزند از خانه‌شان بیرون رانده می‌شوند به مزرعه‌ای در سامرویل می‌روند. مزرعه‌ای که از جدشان به ارث رسیده است. در آن شهر کوچک یک سری زلزله بدون توجیه رخ می‌دهد و بچه‌ها متوجه می‌شوند که خانواده‌ی آن‌ها به شکارچیان روح وابسته هستند.

## مهاجمان مقبره



● کارگردان: Ben Wheatley

● بازیگر: Alicia Vikander

داستان از جایی آغاز می‌شود که پدر لارا، لرد ریچارد کرافت ناپدید شد و لارا به عنوان پیک با دو چرخه زندگی‌اش را می‌گذراند تا اینکه به خاطر تصادف با ماشین پلیس دستگیر می‌شود. لارا که تا آن روز ادعای میراث پدرش را نکرده چون بر این باور است که پدرش زنده است توسط شریک پدرش تحت فشار قرار می‌گیرد که املاک پدرش را بگیرد و گرنه به فروش می‌رسند. او وقتی به جزیره‌شان می‌رود فیلمی را می‌بیند که پدرش ضبط کرده و تصمیم می‌گیرد برای پیدا کردن پدرش دست به کار شود.

## سریع و خشن



● کارگردان: Justin Lin

● بازیگران: Vin Diesel, Charlize Theron, Tyrese Gibson, John Cena

در این قسمت چارلیز ترون به جمع بازیگران همیشگی فیلم یعنی ون دیزل و دواین جانسون پیوسته است. دومینیک و خانواده‌اش باید با جیکوب برادر جوانتر دومینیک مواجه کنند که یک آدمکش مرگبار است و برای سیفر دشمن قدیمی آن‌ها کار می‌کند. درضمن او می‌خواهد از دومینیک انتقام شخصی هم بگیرد.

## گودزیلا علیه کنگ



● کارگردان: Adam Wingard

● بازیگران: Millie Bobby Brown, Kyle Chandler, Rebecca Hall

در زمانه‌ای که هیولاها روی زمین قدم می‌زنند و مبارزه‌ی بشریت برای نجات آینده‌اش باعث روبه‌روی هم قرار گرفتن دو هیولای کینگ کونگ و گودزیلا می‌شود. دو تا از قدرتمندترین نیروهای روی سیاره که سال‌ها با هم در جنگ بوده‌اند. اتفاقی که باعث می‌شود توطئه‌های بشر برای حذف این مخلوقات هم مورد تهدید قرار بگیرد.

## محافظ همسر آدمکش



● کارگردان: Patrick Hughes

● بازیگران: Ryan Reynolds, Samuel L. Jackson, Salma Hayek, Richard E. Grant, Morgan Freeman

مایکل برابیس به عنوان محافظ، دوستی‌اش را با کین سید آدمکش ادامه می‌دهد. آن‌ها یک ماجراجویی جدید را برای نجات سونیا همسر کین سید آغاز می‌کنند که تهدیدهای جدیدی دریافت کرده است. سلما هیک نقش سونیا را بازی می‌کند. سال ۲۰۱۸ بود که اعلام شد رینولدز و جکسون دوباره برای بازی در قسمت دیگری از «محافظ آدمکش» برمی‌گردند.

## تل ماسه



● کارگردان: Denis Villeneuve

● بازیگران: Timothée Chalamet, Josh Brolin, Rebecca Ferguson, Oscar Isaac, Javier Bardem

داستان فیلم در آینده‌ی دور اتفاق می‌افتد. دوک قبول می‌کند سراغ تل ماسه‌ی خطرناک برود که تنها منبع ارزشمندترین موجودی بشر است. دارویی که می‌تواند باعث طولانی شدن عمر انسان‌ها شود و باعث می‌شود آن‌ها افکار فرانسایی پیدا کنند و سفر با سرعتی بالاتر از نور را برای آدم‌ها ممکن می‌کند. او لیدی جسیکا و پسرش پل را با خودش به سرزمین دشمن می‌برد که در اعماق کویر زندگی می‌کنند.

## زمانی برای مردن نیست



● کارگردان: Cary Fukunaga

● بازیگران: Daniel Craig, Ralph Fiennes, Rami Malek, Naomi Harris, Lea Seydoux, Ben Whishaw

داستان این فیلم جاسوسی پنج سال بعد از دستگیری ارنست استاورو بولفلد است و جیمز باند سرویس مخفی را ترک کرده اما دانشمندی به نام والدو ابرچف ناپدید می‌شود و فلیکس لیتر افسر سازمان سیا و دوستان جیمز باند از او کمک می‌خواهند. وقتی معلوم می‌شود که ابرچف را در دیده‌اند جیمز باند با شخصیت شربری روبه‌رو می‌شود که نقشه‌ای برای مرگ میلیون‌ها نفر دارد.

آدرس: رشت، میدان صیقلان، اول خیابان آیت الله احسان بخش،  
ساختمان توسکا، طبقه سوم، کد پستی ۴۱۷۳۷۳۸۰۳۳  
تلفن: ۰۹۱۱۴۹۳۲۰۹

guilanfarda94@gmail.com  
guilanfarda.ir  
guilanfarda94

لوگو: ماهان خوشرفتار  
همکاران این شماره: سارا فرزانه، ساناز فرزانه  
سعیده موسوی، الیاس بشری، تهمینه کوهساری  
پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات  
و ارتباطات بیدسان  
با تشکر از همکاری جناب آقای شکوهی راد،  
مدیر مسئول روزنامه گیلان امروز

**فصلنامه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا**

شماره نهم- پاییز ۱۴۰۰

**مدیرمسئول و صاحب امتیاز:**

شهلا ابراهیم زاده اصلی

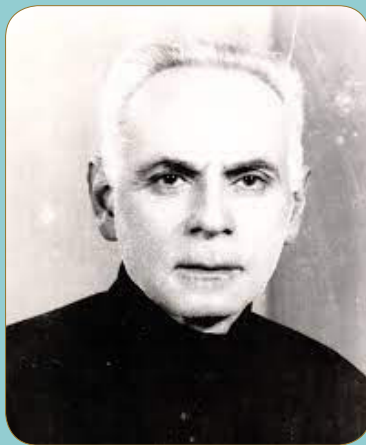


عکس: گیلان فردا

## حفظ هویت تاریخی شهر یا حذف آن

تخریب و جابجایی اولین داروخانه شبانه‌روزی ایران در رشت

وی ۱۴ فروردین ۱۳۵۶ در رشت به مردم رسید همه از صمیم قلب متأثر شدند. به گواه تاریخ خبر از دست رفتن آرسن در تمام شهر پیچید، کسی نبود که از شنیدن این خبر متأثر و ناراحت نشود. گویا آن روز شهر چهره عادی‌اش را از دست داده بود، مردم دسته دسته از میدان شهرداری به طرف مدرسه ارمنی‌ها در خیابان سعدی می‌رفتند. عده زیادی نیز به «سلیمان‌آراب» رفته بودند تا پیکر بی‌جان این ارمنی مهربان را تا آرامگاه ابدیش همراهی کنند، در نیمه‌های راه مردم تابوت را از ماشین بیرون آوردند، و در حالیکه صلوات و لا اله الا الله می‌فرستادند، روی شانه‌هایشان حمل کردند. مغازه داران مسیر با دیدن صحنه مراسم، کسب و کار خود رها کرده و به انبوه سوگواران پیوستند، شهر به حالت نیمه تعطیل درآمد. وی در مدرسه «م. آهوردانیان» رشت به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی و سبز...



آرسن میناسیان متولد ۱۲۸۵ در رشت، داروساز خیر گیلانی از ایرانیان ارمنی تبار بود که با زحمات فراوان و با عشق و علاقه وافر نخستین داروخانه شبانه‌روزی ایران و همچنین نخستین خانه سالمندان و معلولین ایران را در شهر رشت تأسیس کرد و آنقدر برای مردم خالصانه و بی توقع خدمت کرد که وقتی خبر فوت

نیست چه تصمیمی قرار است گرفته شود. بعضی از شهروندان می‌گویند سال قبل مالک بنا درخواست صدور پروانه داشته است تا بنای فعلی را تخریب و بنای جدید داروخانه و سینما را به صورت مجموعه ای در مکان اصلی خود بسازد. اما این اتفاق تا این لحظه که محقق نشده. فرهنگ دوستانی که هویت تاریخی شهر را بسیار با ارزش می‌خوانند این تخریب و انتقال را منطقی ندانسته و خواهان بازسازی و حفظ داروخانه بوده اند، از سوی دیگر بنای این داروخانه قدیمی که بخشی از تاریخ و هویت شهر رشت است طی ایام و کم توجه ای فرسوده شده بود. اینکه مالکان، مدیران فرهنگی و میراث فرهنگی استان برای مرمت به موقع و نگهداری چنین بناهایی که بخشی از هویت تاریخی شهر را در خود به یادگار دارند چه برنامه ای دارند مشخص نیست، اما یقیناً داروخانه کارون دیگر همانی نخواهد بود که از مسیو آرسن به یادگار مانده بود...

**گیلان فردا**- در مسیر هر روزه، از کنار «داروخانه شبانه‌روزی کارون» که اولین داروخانه شبانه‌روزی ایران بوده است رد می‌شوم. هر روز لحظاتی کوتاه زنده یاد مسیو آرسن، خیر گیلانی را به ذهن می‌آورم. یادم می‌آید چندین سال پیش با مسئول این داروخانه مصاحبه ای داشتم که در آن نیاز به مرمت و تعمیر مکان داروخانه عنوان شده بود. با نصب تندیس مسیو جلوی داروخانه، علاقمندان خوشحال شدند و فکر می‌کردند این مکان حفظ خواهد شد. ماه پیش اما در یک اقدام غیره منتظره، شهروندان رشت دیدند مکان اصلی داروخانه کارون تخریب و داروخانه به سمت دیگر میدان و زیر ساختمان شهرداری منتقل شده است! این کار چنان بود که گویا بخشی از حافظه تاریخی، هویت و خاطرات مشترک شهر و شهروندان جابجا شده است! تندیس مسیو آرسن میناسیان اما هنوز جلوی مکان تخریب شده باقی مانده، معلوم